

سب

گزارش
سریع

گزارش شماره ۲۹
آبان ۱۳۹۹



مرکز ملی فضایی مجازی
پژوهشگاه فضایی مجازی

رقابت آمریکا و چین: یک چارچوب استراتژیک

گزارش سریع که با عنوان Rapid Report شناخته می‌شود، نوعی گزارش کوتاه است که صرفاً برای اطلاع کلی از موضوع یا پدیده‌ای خاص در بازه زمانی محدود تهیه می‌شود. هدف عمده چنین گزارش‌هایی ایجاد تصویری اجمالی برای آشنایی ابتدایی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان در موضوعات مورد علاقه آنان است.

تهیه شده در روابط عمومی پژوهشگاه فضایی مجازی

تهیه کننده: محمدجواد خوشنام

ناظر علمی: سید رضا حسینی

حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به مرکز ملی فضایی مجازی است و استفاده از آن با ذکر منبع مجاز می‌باشد.

نشانی: تهران، میدان آرژانتین، خیابان بیهقی، نبش خیابان ۱۶

غربی، پلاک ۲۰

تلفن: ۰۲۱-۸۶۱۵۱۰۶۱

کد پستی: ۱۵۱۵۶۷۲

۹ سخن نخست

۱۳ مقدمه

رقابت آمریکا و چین: یک چارچوب استراتژیک

بخش اول (رقابت با چین، مثل رقابت با شوروی و ژاپن نیست)

بخش دوم (با وجود اینکه درخواست های زیادی برای برخورد با چین وجود دارد، اما اولویت های تجاری شرایط را متفاوت کرده است)

چین به عنوان یک بازار بزرگ ۲۶

چین به عنوان یک تأمین کننده اصلی ۲۷

چین به عنوان یک رقیب بزرگ تجاری ۲۹

چین به عنوان یک رقیب بزرگ نظامی یا ژئوپلیتیکی ۴۰

بخش سوم (اکثر صنایع همچنان ادامه همکاری با چین را می خواهند)

وضعیت تجارت ۱۰ شرکت بزرگ ایالات متحده با چین ۵۰

بخش چهارم (اقدامات اخیر علیه هوآوی اوضاع را دگرگون می کند:

اما به سمت بهتر شدن یا بدتر شدن؟!)

روند اقدامات اخیر علیه هوآوی ۵۶

بخش پنجم (طرفداران نظریه انحطاط بر می خیزند)

بزرگترین اقتصاد جهان ۶۳

بزرگترین تأمین کننده جهان ۶۳

سخت ترین رقیب جهان ۶۴

رقیب اصلی ژئوپلیتیک ۶۴

بخش ششم (غرب و پیچ مرحله اندوه)

مرحله ۱: انکار ۶۹

مرحله ۲: خشم ۷۰

مرحله ۳: افسردگی ۷۲

مرحله ۴: چانه زنی ۷۲

مرحله ۵: پذیرش ۷۳

بخش هفتم (اختلال چینه)

در صنایع دفاعی ۷۷

- ۷۷ در انرژی و حمل و نقل
- ۷۸ در نظام بانکی
- ۷۸ در علوم زیستی
- ۷۹ در هوافضا
- ۷۹ در بیمه
- ۸۰ در تحصیلات
- ۸۰ در فناوری اطلاعات (IT)

بخش هشتم (نبرد تایتان های دیجیتال)

بخش نهم (مدل چهاربخشی و طولانی مدت احیای مجدد قدرت آمریکا/غرب)

بخش دهم (پیچ مرحله برای تعادل مجدد زنجیره های تامین)

۱. نیاز به شفافیت عملیاتی — ۹۷
۲. تشویق مالی و مالیاتی برای کاهش وابستگی ها — ۹۷
۳. استفاده از اهرم مصرف کنندگان — ۹۸
۴. تمرکز بر افزایش تولید داخلی در حوزه های کلیدی — ۹۹
۵. استفاده محتاطانه و هدفمند از تعرفه های هدفمند و دستورالعمل استفاده از ظرفیت داخلی — ۱۰۰

بخش یازدهم (پیچ راه برای جلوگیری از تبدیل شدن چین به بزرگترین اقتصاد جهان)

۱. بازار را گسترش دهید — ۱۰۵
۲. از اهرم زبان انگلیسی استفاده کنید — ۱۰۶
۳. استفاده از فن آوری پیشرفته — ۱۰۷
۴. بازگشت به سنت معامله به مثل — ۱۰۷
۵. به طور جمعی صحبت کنید — ۱۰۸

بخش دوازدهم (پیچ راه برای افزایش توان رقابت غرب)

- ۱- در اولویت قرار دادن رهبری حوزه تکنولوژی — ۱۱۳
۲. جذب استعداد های کلاس جهانی — ۱۱۴
۳. شراکت با هند — ۱۱۴
۴. رفع نقطه ضعف هزینه — ۱۱۵
۵. ایجاد ذهنیت متناسب با زنجیره ارزش — ۱۱۶

بخش سیزدهم (پیچ راه برای اطمینان از اینکه غرب همچنان به عنوان مدل کشورهای جهان برای تقلید اجتماع باقی مهم اند)

۱. به آنچه چین به دست آورده احترام بگذارید — ۱۱۹
۲. یک کاربر کلاس جهانی باشید — ۱۲۰
۳. آهنربای استعداد باقی بمانید — ۱۲۱

۴. با متحدهای خود کار کنید — ۱۳۱

۵. زمان بخرید — ۱۳۲

جمع بندی — ۱۳۵

درباره نویسندگان — ۱۳۱

سخن نخست



فضای مجازی با شتاب شگرف و رو به تزایدی که در حال بسط و گسترش است تمام ساحات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی زندگی بشر را درنوردیده و هر روز بخش بزرگی از زندگی واقعی را در خود فرو برده و حیات متفاوت و جدیدی به آن می‌دهد. لذا به نظر می‌رسد دو نگاه کلان به فضای مجازی وجود دارد: نگاه اول که بالاخص در ابتدای رشد و تکوین فضای مجازی مسلط شده بود، آن را همچون ابزاری کنار سایر ابزارهای بشری تصویر می‌کرد که تنها طریقت داشت. اما نگاه دوم، در نتیجه رشد تحولات خیره کننده فضای مجازی و سایه گستری آن در حوزه ها و شئون بشر در یک دهه اخیر آن را چون سکویی می‌داند که بسیار فراتر از شأن ابزاری حیات انسان‌ها را سامان جدیدی داده و ادعای تمدن نوینی را دارد. رویکردی که از فضا از چشمان بصیر رهبر انقلاب نیز دور نمانده و انتظاری تمدنی از فضای مجازی در ایران را مطالبه داشته اند. در همین راستا گزارش‌های عصر فضای مجازی تلاش می‌کند تا فهم

سازمان‌ها و دستگاه‌های مرتبط با حوزه‌ی فضای مجازی را ارتقاء
بخشیده و آن‌ها را برای مواجهه فعال و خردمندانه با تحولات این
عرصه مهیا سازد.

سید ابوالحسن فیروزآبادی
دبیر شورای عالی و رئیس مرکز ملی فضای مجازی

مقدمه



از زمان روی کار آمدن باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، اختلافات چین و آمریکا در مسائل سیاسی، نظامی و اقتصادی به اوج خود رسیده و اعلام اخیر پنتاگون مبنی بر فروش تسلیحات پیشرفته نظامی به تایوان موجب خشم و نگرانی مقامات پکن شده است به طوری که وزارت امور خارجه چین در پی فاش شدن این تصمیم آمریکا، ضمن محکوم کردن این اقدام، آن را مصداق بارز مداخله آمریکا در امور داخلی این کشور دانسته و با ارسال پیامی به سفارت آمریکا در پکن، این اقدام کاخ سفید را موجب تیره شدن و حتی کاهش و قطع روابط میان دو کشور عنوان کرده است.

واکنش دولت و مردم چین به اقدامات تحریک‌آمیز آمریکا، هیچ‌گاه این‌قدر تند نبوده است، این در حالی است که در یک دهه اخیر، در برخی موارد، آمریکا اقدامات آشکاری علیه چین انجام داده است. به‌عنوان مثال، سفارت چین در کشور یوگوسلاوی در سال ۱۹۹۹ توسط آمریکا بمباران شد و در سال ۲۰۰۱، چینی‌ها موفق به

شناسایی هواپیمای جاسوسی آمریکا بر فراز یکی از جزایر چین شدند اما در عین حال روابط دو کشور در یک دهه اخیر همواره خوب، بدون جنجال‌های جدی و روبه پیشرفت بوده است.

حال این پرسش مطرح است که در مقطع کنونی چه اتفاقی افتاده که چین، در قبال فروش سلاح به تایوان توسط آمریکا، موضعی بی‌سابقه اتخاذ کرده و فرماندهان نظامی چین، از آمادگی کامل این کشور برای مقابله با هرگونه تهدید آمریکا در آینده نزدیک خبر داده‌اند؟

این گزارش که در یکی از معتبرترین اندیشکده‌های سیاست‌گذاری ایالات متحده منتشر شده، با فرض قطعی دانستن تفاوت‌های بنیادین میان وضعیت ژاپن-آمریکا و شوروی-آمریکا با وضعیت چین-آمریکا، اعتراف می‌کند چین در بسیاری از حوزه‌ها گوی سبقت را از ابرقدرت قدیمی جهان ربوده و در پی پاسخ به این سؤال برمی‌آید که: «چه باید کرد؟». در خلال راهکارهای مطرح این اندیشکده آمریکایی در شرح مسئله و چگونگی مواجهه مثبت با پدیده چین، می‌توان نکات ارزشمندی درباره‌ی چگونگی سیاست‌گذاری‌ها و طریقه‌ی مواجهه با کشورها توسط دولت ایالات متحده دریافت که شاید اگر از لسان اندیشکده‌ها و یا شخصیت‌های شرقی و بخصوص ایرانی خروج می‌کرد، یقیناً متهم به سیاه‌نمایی، بلکه توهم توطئه می‌شد. هرچند این اندیشکده مسائل مهمی را طرح می‌کند که به نظر

نگارنده نکاتی که در حوزه‌ی خودکفایی و ذیل مفاهیم اقتصاد مقاومتی، سیاست‌های جمعیتی، مسائل برنامه‌ریزی مالیاتی و هدایت سرمایه و نقدینگی به سمت رونق تولید داخلی مطرح می‌شود برای خواننده و محقق ایرانی بسیار حائز اهمیت خواهد بود، اما فصل مشترک تمام بحث‌های مطروح این گزارش مفصل، فصل تکنولوژی، و جنگ تکنولوژیک و رسانه‌ای است؛ به طوری که نویسندگان این مقاله علناً بر خوردهایی که توسط دولت ایالات متحده علیه شرکت هواوی^۱ و تیک‌تاک^۲ صورت گرفته را اعمالی خردمندانه می‌دانند.

اما چرا جنگ بر سر رهبری آینده‌ی جهان، جنگی تکنولوژیک خواهد بود؟ باید گفت پیشرفت تکنولوژی پیش شرط لازم برای رشد و توسعه هر جامعه انسانی است به طوری که در قرن جدید یکی از ابزارهای قضاوت جوامع انسانی را وضعیت تکنولوژی و رسانه در آنها میدانند. ماهیت نظام جهانی به طور فرایندهای تحت تأثیر فرایند پیشرفت تکنولوژی قرار دارد. جوامعی که تکنولوژی بیشتر و پیشرفته‌تری دارند به نوعی توانسته‌اند بخش قابل توجهی از جریان تغییر جوامع را در مقیاس جهانی در اختیار خود بگیرند؛ برای مثال، یکی از این جریان‌های مهم دگرگون کردن جوامع یعنی رسانه‌ها، نمود بازاری از تکنولوژی هستند؛ هر چه سطح تکنولوژی پیشرفته‌تر و عمکرد آن کارآمدتر باشد، آن جامعه انسانی قدرت نفوذ بیشتری خواهد یافت و تأثیرات عمیق‌تر و عمده‌تر را بر جوامع دیگر خواهد گذاشت؛ مثلاً دولت ایالات متحده که از رسانه‌های گسترده، سطح تکنولوژی بالا

1.Huawei
2.Tiktok

و متخصصان بسیار در این حوزه برخوردار بوده و بر نظام جهانی سلطه بیشتری داشته و باعث بسیاری از تحولات اجتماعی سیاسی شده است. جامعه شناسان جدید تحولات تکنولوژیک را بخشی از فرایند گسترده عقلانی شدن جهان می‌دانند. «وبلن» متأثر از اندیشه مارکس معتقد است ایده‌ها و رفتارهای انسان، مایه و ریشه در وضعیت معیشتی او دارد و معیشت نیز از توابع مستقیم تکنولوژی است.

اگر این نظرِ وبلن را از دیدِ تکنولوژیِ رسانه بررسی کنیم خواهیم یافت که رسانه‌ها نیز عادات جدیدی را در جوامع به وجود آورده‌اند و نهادهای اجتماعی را دچار دگرگونی‌های بسیاری کرده‌اند. پس مناسباتِ جهانی با اثرگذاریِ عاملِ معیشت و رسانه تغییر می‌کنند و هردوی این عوامل به تکنولوژی وابسته‌اند. هنگام خوانشِ این مقاله هر جا به واژگانِ «تکنولوژی» یا «فناوری» برخورد کردید بر اساس تحلیلی که بر مبنای سخنِ وبلن از اهمیتِ رسانه در شکل‌دهیِ جوامع صورت دادیم، نقشِ «رسانه‌ی معلولِ تکنولوژی» را نیز در تحولات آینده‌ی جهان و چگونگیِ رهبری بر آن در نظر داشته باشید. پی‌نوشت‌های این نگاشته، شامل پی‌نوشت‌های اصلی مقاله و نکاتی است که مترجم برای سهولت در یافتِ معانیِ نهفته در متن برای خوانندگانِ کمتر متخصص و ناآشنا با ادبیات سیاسی، اقتصادی و استراتژیک تنظیم کرده است.

«گرچه چین احتمالاً بزرگ‌ترین اخلاک‌گر تجارت برای آمریکا در دهه ۲۰۲۰ خواهد بود اما هنوز بحث جدی درباره نحوه مواجهه با این تهدید شکل نگرفته است. ما باید با در پیش گرفتن یک چارچوب استراتژیک منظم، تعادل در زنجیره عرضه‌ی جهانی، حفظ رقابت تجاری، سازگاری با حجم زیاد بازار چین و ماندگاری جذابیت‌های غرب را تضمین کنیم.»

اطلاعات کلیدی:

- مدت‌هاست که چین در حوزه نیمه‌هادی‌ها^۱، نرم‌افزار، تجهیزات مخابراتی، کامپیوترهای Mainframe^۲ و ساخت دیتا بیس خودکفا شده و طی چند سال گذشته در مسیر خودکفایی در این حوزه‌ها پیشرفت زیادی داشته است.

- چین از نظر موقعیت منحصربه‌فردی که از طرفی به‌عنوان بزرگ‌ترین بازار جهان برای بسیاری از محصولات و از طرف دیگر به‌عنوان تأمین‌کننده اصلی خدمات و مواد اولیه‌ی بسیاری دیگر از محصولات دارد، اصلی‌ترین رقیب و البته سخت‌ترین رقیب ژئوپلیتیک غرب است.

- چین به دلیل حضور چندبعدی خود، از تأثیر اقتصادی رقیبان قبلی غرب فراتر رفته و مقابله با آن بسیار دشوارتر از آن‌هاست.

- همه‌گیری COVID-۱۹ و سیاست‌های دولت چین در مواجهه با آن، سرانجام نگرانی‌های دیرینه و البته پراکنده غربی‌ها در مورد

۱. نیمه‌هادی‌ها موادی هستند که بین رساناها (به‌طور کلی فلزات) و غیر رساناها یا عایق‌ها (مانند بیشتر سرمایه‌ها) رسانایی دارند. نیمه‌هادی‌ها می‌توانند عناصر خالص مانند سیلیکون یا ژرمانیوم یا ترکیباتی مانند گالیوم آرسنید یا کادمیوم سلنید باشند.

۲. رایانه اصلی که به‌طور غیررسمی مین فریم یا آهن بزرگ هم نامیده می‌شود، رایانه‌ای است که در درجه اول توسط سازمان‌های بزرگ برای کاربردهای مهم مثل پردازش داده‌های انبوه مانند سرشماری، آمار صنعت و مصرف‌کننده، برنامه‌ریزی منابع سازمانی و پردازش معاملات در مقیاس بزرگ مورد استفاده قرار می‌گیرد.

چین را یک جا متمرکز کرده و نگرانی‌های غرب را حول محورهای: خودکفایی، امنیت ملی، تراز تجاری^۱، اخلاق تجاری و حقوق بشر ساختارمند ساخته است.

- به‌زودی، شرکت‌های چینی فعال در غرب و شرکت‌های غربی فعال در چین، تحت نظارتِ بیشترِ دولت‌های محلی و مردم قرار خواهند گرفت.

- اگرچه تنش‌های موجود بین چین و آمریکا ممکن است کمتر شوند، اما روابط ایالات‌متحده و چین به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یک مبارزه اقتصادی برد-باخت باقی می‌ماند که نهایتاً مشخص خواهد کرد که کدام کشور اقتصاد قوی‌تری دارد و کدام‌یک در صنایع خاص قدرتِ غالب است.

- نهایتاً، به‌احتمال زیاد دهه ۲۰۲۰ دهه تعیین‌کننده خواهد بود. ایالات‌متحده باید با درپیش گرفتن یک چارچوب استراتژیک منظم، تعادل در زنجیره عرضه‌ی جهانی، حفظ رقابت تجاری، سازگاری با حجم زیاد بازار چین و ماندگاری جذابیت‌های غرب را تضمین کند.

۱. تراز تجاری یا صادرات خالص، تفاوت بین ارزش پولی صادرات و واردات یک کشور در یک بازه زمانی خاص است. گاهی اوقات بین تراز تجاری کالاها و توازن خدمات تمایز قائل می‌شوند.

شرح مسئله:

ویروس COVID-۱۹ بزرگ‌ترین اختلال جهانی در سال ۲۰۲۰ بوده و انتظار می‌رود در ترکیب با تغییرات آب و هوایی سال ۲۰۲۱ بزرگ‌ترین اختلالات اجتماعی قرن ۲۱ را ایجاد کند، اما چین در طول دهه ۲۰۲۰ به‌عنوان مهم‌ترین اخلاک‌گر تجارت برای آمریکا فراتر از هر چیز دیگری که در جهان جریان دارد، بر دنیا اثرگذار خواهد بود. در دنیای جدید، چین است که مرزهای تکنولوژی را خلق و هدایت خواهد کرد و بسمت رهبری جهان می‌تازد.

اگرچه با رخداد وقایع جدید و شرایط ویژه‌ای که دنیا امسال با آن مواجه شده همه راجع به چین صحبت می‌کنند، اما بیش از دو دهه است که این روند به‌طور پیوسته در حال افزایش بوده و چین هر روز بیش از پیش موضوع صحبت‌ها می‌شود. در واقع، در گزارش «Clash of the Titans» که در سال ۲۰۱۵ توسط بنیاد **Leading Edge** منتشر شده^۱، تقریباً همه آن چیزهایی که امروز اتفاق می‌افتند - به‌جز COVID-۱۹ - پیش‌بینی شده است. این گزارش در اصل، جزئیات و مشخصات قدرت و پویایی درونی چین را نشان می‌دهد، اما تمرکز اصلی‌اش بر نحوه مواجهه‌ی دولت‌های غربی با چین است. لذا با توجه به این گزارش و گزارش‌های بسیار دیگر، می‌توان گفت

1. Simon Wardley and David Moschella, "Clash of the Titans: Can China Dethrone Silicon Valley?" (Leading Edge Forum, January 2016, 13), <https://leadingedgeforum.com/research/clash-of-the-titans-can-china-dethrone-silicon-valley/>.

بحث پیشرفت‌های عجیب چین و پرسش از چگونگی مواجهه با آن، بحثی قدیمی است که صرفاً قرار گرفتنش در کنار همه‌گیری جهانی کرونا و مبارزات انتخاباتی ریاست جمهوری ایالات متحده، به شدت مخاطرات و نگرانی‌هایش روند صعودی داده است.

« به‌زودی، شرکت‌های چینی فعال در غرب و شرکت‌های غربی فعال در چین، تحت نظارت بیشتر دولت‌های محلی و مردم قرار خواهند گرفت. »

همه می‌دانند بسیاری از شرکت‌های غربی برای چندین دهه با چین دادوستد داشته‌اند، برخی با موفقیت بسیار بیشتری نسبت به دیگران؛ اما COVID-۱۹ و عملکرد دولت چین در مواجهه با آن، بحث را از دو طریق اصلی تغییر داده است. از یک‌سو، نگرانی دیرینه غربی‌ها را در مورد خودکفایی، امنیت ملی، ایمنی محصولات، تراز تجاری، اخلاق تجاری و حقوق بشر را باهم ادغام کرده است و از سوی دیگر مردم سراسر جهان را وادار کرده است که از خود پرسند: «چرا و چگونه چین و بسیاری از مناطق آسیا همه‌گیری کرونا را بسیار بهتر از اکثر دولت‌های غربی مدیریت کرده‌اند؟»

۱. در این مقاله، ما از اصطلاح «غرب» به‌طور گسترده‌ای استفاده می‌کنیم تا نه تنها اروپا، ایالات متحده و آمریکای لاتین، بلکه ژاپن، استرالیا و سایر کشورها را که با ارزش‌ها و منافع غربی بسیار همسو هستند، شامل کنیم.

درحالی که بسیاری از بحث‌های امروز دنیا حول محور «چگونگی مواجهه با قدرت چین» می‌گردد، ما معتقدیم که یافته‌ها، توصیه‌ها، ارزیابی‌های شخصی و چارچوب‌های تصمیم‌گیری که این گزارش معرفی می‌کند، می‌تواند برای سال‌های متمادی برای هر سازمان بزرگی در هر ملتی که تحت تأثیر حضور فزاینده چین قرار دارد، مفید و کاربردی باشد.

رقابت آمريڪا وچين: يڪ چارجوب اسٽراٽيڪ



بخش اول

رقابت باچین ، مثل رقابت باشوروی وژاپن نیست



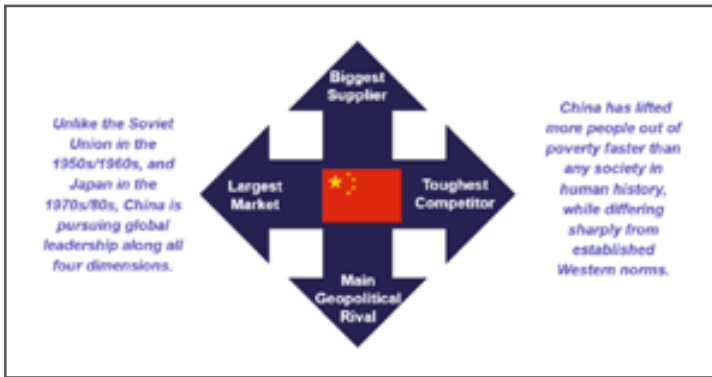
بخش اول

رقابت با چین، مثل رقابت با شوروی و ژاپن نیست

یکی از دلایلی که باعث شده بسیاری از آمریکایی‌ها چالش چین را دست کم بگیرند این است که قبلاً هشدارهای مشابهی را شنیده بودند. مثلاً در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، بسیاری از کارشناسان آمریکایی پیش‌بینی کرده بودند که برنامه‌های پنج‌ساله پیشرفت شوروی، نسبت به برنامه‌های توسعه‌ای آمریکا بهتر عمل خواهند کرد. (البته نظر آن‌ها بیشتر بر توسعه حوزه‌ی دفاعی و فضای متمرکز بود.) یا مثلاً به همین طریق در دهه ۹۷۰ و ۱۹۸۰ دیدگاه‌های معروفی وجود داشت که می‌گفت با در کنار هم قرار گرفتن عوامل «برنامه‌ریزی‌های بلندمدت، همکاری نزدیک بخش‌های اقتصادی و دولت، کارگران منظم و اکوسیستم‌های غول‌پیکر کیرتسو»^۱ و Japan Inc^۲ یک مدل اقتصادی برتر نسبت به سرمایه‌داری غربی ایجاد کرده است. خوب، به‌وضوح ثابت شد که هردوی این پیش‌بینی‌ها بسیار اغراق‌آمیز بودند؛ هرچند عملکرد اقتصادی و توان رقابت ژاپن بسیار قوی‌تر از آنچه عموماً تصور می‌شود بوده است.

۱. کیرتسو یک اصطلاح ژاپنی است که به یک شبکه تجاری متشکل از شرکت‌های مختلف از جمله تولیدکنندگان، شرکای زنجیره‌ی تأمین مواد اولیه، توزیع‌کنندگان و بعضاً سرمایه‌گذاران اشاره می‌کند که روابط تجاری و سهامداری به هم مرتبط و وابسته دارند.

۲. این اصطلاح، نماد توصیف‌کننده سیستم اقتصادی سنتی و بسیار متمرکز آن کشور است. به تعبیری، ژاپن از دهه ۱۹۸۰ با سیاست‌های متمرکز اقتصادی‌اش، یک نظام سرمایه‌داری بر پایه سود صادرات تعریف می‌شود.



شکل ۱: چالش رهبری جهانی چین، تکرار رقابت با شوروی یا ژاپن نیست.

چهار بعد اصلی برای رقابت اقتصادی ملی، بازار، رقیب، تأمین کننده مواد اولیه و رقیب ژئوپلیتیک است و همان طور که در شکل ۱ نشان داده شده، چین رهبری اقتصاد جهان را در هر چهار بعد به صورت جدی دنبال می کند؛ در واقع چین همین امروز هم بزرگ ترین بازار خودرو، کالای الکترونیک، موبایل، فولاد و بسیاری از محصولات دیگر در جهان است و این در بسیاری از صنایع عامل بسیار مهم و مفیدی برای چین است که بتواند رقابت اقتصادی را پیروز شود. فراتر از آن، شاید اساساً رشد روزافزون قدرت اقتصادی و موفقیت خارق العاده آن در خارج کردن مردم از فقر و ایجاد سطحی از رفاه «واقعاً» عمومی، به چین کمک کند تا به عنوان یک مدل اقتصادی و اجتماعی جایگزین غرب و بخصوص جایگزین آمریکا مورد توجه جهان واقع شود؛ الگویی که تفاوت های فاحشی با هنجارهای غربی دارد.

القصة، همین پیگیریِ استراتژیک و بی‌امان در طول هر چهار بُعد است که چین را با سایر رقبای ایالات‌متحده متفاوت می‌کند.

«چین در جاه‌طلبی‌ها و دستاوردهای خود از سطح تأثیر اقتصادی رقبای قبلی ما فراتر رفته و مقابله مستقیم با حضور چندبعدی‌اش بسیار دشوارتر از قبلی‌هاست.»

واقعیت آن است که اتحاد جماهیر شوروی یک رقیب قدرتمند نظامی و ایدئولوژیکی بود، اما هرگز یک بازار عمده یا یک تأمین‌کننده مواد اولیه بزرگ یا رقیبی برای تجارت جهانی نبود؛ از طرفی ژاپن به یک رقیب سرسخت و یک تأمین‌کننده اساسی در بسیاری از صنایع تبدیل شد، اما هرگز برای اکثر شرکت‌های غربی یک بازار ضروری نبود (بخشی از این امر به این دلیل بود که ژاپن اغلب شرکت‌های خارجی را از ورود به کشور منع می‌کرد) و مطمئناً یک رقیب نظامی یا اجتماعی و ایدئولوژیکی هم نبود. نه اتحاد جماهیر شوروی و نه ژاپن هرگز به‌عنوان یک رقیب همه‌جانبه جدی گرفته نشده و از لحاظ اقتصادی کاملاً ذیل چارچوب‌های اقتصاد غرب تعریف می‌شدند، لذا این امر به‌طور قابل توجهی فضای بیشتری برای مانور به ایالات‌متحده و دیگر کشورها می‌داد که فضای رقابت را کنترل کنند.

به‌عنوان مثال، اعمال کنترل گسترده و سخت‌گیرانه صادرات فناوری

به اتحاد جماهیر شوروی، معمولاً با همکاری متحدان ما، برای ایالات متحده نسبتاً آسان بود. ایالات متحده می‌توانست از وابستگی ژاپن به چتر امنیتی ایالات متحده برای گرفتن امتیازات مهمی از او در حوزه نیمه‌هادی‌ها و تولید ماشین‌های باکیفیت‌تر در ایالات متحده استفاده کند و این کار را هم انجام داد.

انجام چنین کارهایی با چین - اگرچه غیر قابل تصور نیست - هم هزینه بیشتری دارد، هم چالش‌برانگیزتر است و هم آن‌طور که اکنون می‌بینیم، جلب همکاری متحدانمان مانند آلمان در این مسیر دشوار خواهد بود.

چین در جاه‌طلبی‌ها و دستاوردهای خود از سطح تأثیر اقتصادی رقبای قبلی ما فراتر رفته و مقابله مستقیم با حضور چند بعدی‌اش بسیار دشوارتر از قبلی‌هاست؛ با این حال، تشابهات اتحاد جماهیر شوروی و ژاپن از یک جهت قابل توجه است: دستاوردهای هر دو کشور سرانجام ایالات متحده را از خواب بیدار کرد و به واکنش وا داشت؛ به‌عنوان مثال، مأموریت‌های قمری آپولو در دهه ۱۹۶۰ و بسیاری از قوانین مهم مربوط به حوزه رقابت و فناوری در دهه ۱۹۸۰ من‌جمله ایجاد امتیاز مالیاتی^۱ R&D و شکل‌گیری SEMATECH^۲ در سال ۱۹۸۷ برای حمایت از صنایع حوزه عناصر نیمه‌هادی ایالات متحده جزو همان واکنش‌ها است.^۳

۱. امتیاز مالیاتی تحقیق و توسعه برای مالیات‌دهندگان طراحی شده است که محصولات، فرآیندها، تکنیک‌ها و تکنولوژی‌ها، فرمول‌ها یا نرم‌افزارها را طراحی، توسعه یا بهبود می‌بخشند. این امتیاز بر اساس افزایش فعالیت‌ها و هزینه‌هایی است که برای تحقیقات صرف می‌شوند و در نتیجه هدف آن پاداش دادن به شرکت‌هایی است که با افزایش سرمایه‌گذاری به دنبال نوآوری در کار خود هستند.

۲. سم‌تک یک کنسرسیوم غیردولتی است که برای پیشرفت تولید تراشه تحقیقات فناوریانه انجام می‌دهد. سم‌تک تعامل گسترده‌ای با بخش‌های مختلف جامعه‌ی تحقیق و توسعه دارد؛ من‌جمله تولیدکنندگان تجهیزات، تأمین‌کنندگان مواد، دانشگاه‌ها، مؤسسات تحقیقاتی و شرکای دولتی.

3. Robert D. Atkinson, "Innovation policy making in a federalist system: Lessons from the states for U.S. federal innovation policy making," Research Policy, vol 20, iss -559: (1991) 6 577, <https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/004873339190046S>.

بعداً در این مقاله، مسیر پیشنهادی ما برای ایجاد یک جبهه مقابله شبیه به گذشته بیان شده است. شاید COVID-۱۹ و چین نمونه به‌روز شده ماجرای اسپوتنیک باشد! اما چیزی که قطعی است، قطعی نبودن همه پیش‌بینی‌هاست.

این مثال‌ها و پیش‌بینی‌های نه‌چندان دقیق -بخصوص در مورد شوروی- و رخداد پدیده این/همانی در ذهن بسیاری از آمریکایی‌ها و حتی اندیشمندان آمریکایی، باعث شده آن‌ها خطر چین را جدی نگیرند.

بخش دوم

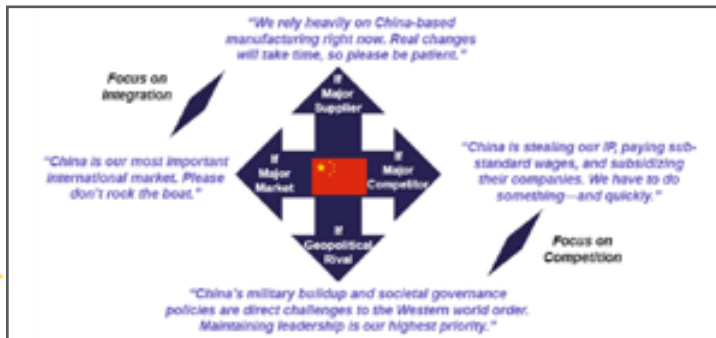
با وجود اینکه درخواست‌های زیادی برای برخورد با چین وجود ندارد،
اما اولویت‌های تجاری شرایط را متفاوت کرده است



بخش دوم

با وجود اینکه درخواست‌های زیادی برای برخورد با چین وجود دارد، اما اولویت‌های تجاری شرایع را متفاوت کرده است

همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، ماهیت چندبعدی چالش چین از نظر تاریخی، ایجاد یک مواجهه قوی و هماهنگ را برای غرب دشوار کرده است. بسته به نوع نگاه یک شرکت اقتصادی به چین، اولویت‌های تجاری آن سازمان - فارغ از افسانه‌هایی که علیه چین وجود دارد - ممکن است کاملاً با اولویت‌های مواجهه با چین متضاد باشد. در زیر بهتر توضیح داده شده است.



شکل ۲: شرکت‌های غربی در مواجهه و برخورد با چین، دارای نگاه‌ها و اولویت‌های متضاد و حتی متناقضی نسبت به یکدیگر هستند.

اگر چین بیشتر به عنوان یک بازار بزرگ دیده شود، برای شرکت‌هایی مانند اپل، بوئینگ، نایک، جنرال موتورز، اینتل، استودیوهای هالیوود، مک‌دونالد، انجمن ملی بسکتبال (NBA)، پروکتور و گمبل، استارباکس، کوالکام، والمارت و بسیاری دیگر، چین بیشتر به عنوان بزرگ‌ترین بازار غیر آمریکایی آن‌ها شناخته می‌شود. ایجاد این نوع اعتماد و حضور محلی اغلب دشوار بوده و سال‌ها به طول انجامیده است. با وجود اینکه مریوت، مرسدس بنز و چند شرکت بزرگ دیگر تصمیم گرفته‌اند تا تحت فشار به ظاهر جزئی چین قرار بگیرند، اما شرکت‌هایی که درآمد قابل توجهی در چین دارند می‌خواهند تقریباً به هر قیمتی که شده از تکان خوردن این قایق در این رود موج جلوگیری کنند و اکثراً در مورد شدیدترین جنجال‌های مربوط به چین ساکت هستند.^۱

برای برخی از شرکت‌ها مانند مایکروسافت، چین از نظر «استفاده از محصولات مایکروسافت» بازار بزرگی است، اما از جهت «فروش محصولات مایکروسافت» نه. لذا مایکروسافت معتقد است دور شدن از این بازار نه تنها باعث کاهش فروش این شرکت‌ها می‌شود، بلکه سهم بازار آن‌ها را نیز یا به شرکت‌های چینی یا سایر شرکت‌های غیر آمریکایی که به رقابت اقتصادی بلندمدت ایالات متحده لطمه می‌زنند واگذار می‌کند.

۱. اتحادیه ملی بسکتبال آمریکا اساساً مجبور شد عذرخواهی کند که یکی از صاحبان تیم خود در توییت با معترضان هنگ‌کنگ ابراز همبستگی کرد، همان‌طور که مرسدس بنز نیز پس از یکی از تبلیغات خود که از دلایلی لایحه‌های را نقل کرده بود عذرخواهی کرد.

اگر چین بیشتر به عنوان یک تأمین کننده اصلی دیده شود

شرکت‌های Walmart، Target، Dell، HP، Nike، شرکت‌های بزرگ دارویی و بسیاری از شرکت‌های دیگر که به تولیدات چینی اعتماد دارند، به‌طور کلی از کاهش وابستگی در طولانی‌مدت حمایت می‌کنند، اما در کوتاه‌مدت، چاره‌ای جز این ندارند که زنجیره‌ی تأمین خود را ادامه دهند. برای برخی از شرکت‌ها مانند اپل، چین بازار عمده و تأمین کننده اصلی مواد است. با ناراحتی بیشتر باید اذعان کرد که همین شرکت‌های آمریکایی عامل کسری تجاری سالانه ۴۰۰ میلیارد دلاری آمریکا/چین هستند.^۱

در بیشتر موارد، این کسری از طریق خرید محصولات چینی توسط مصرف‌کنندگان معمولی آمریکایی حاصل نمی‌شود. در واقع، اکثر مصرف‌کنندگان آمریکایی محصولات مورد نیازشان را از شرکت‌های آمریکایی خریداری می‌کنند که آن شرکت‌ها آن محصولات را از چین تهیه کرده‌اند. اگر این محصولات از جای دیگری تأمین شوند - یا در داخل کشور ساخته شوند - مقدار زیادی از کسری تجارت با چین از بین می‌رود.

این دو گروه از شرکت‌ها کاملاً با اقتصاد چین ادغام شده‌اند و تمایل دارند این ادغام‌شدگی را به عنوان بهترین راه تأمین منافع کوتاه‌مدت - و در بسیاری از موارد منافع بلندمدت خود - حفظ کنند. آن‌ها همچنین می‌دانند که اگر حرف «اشتباهی» بزنند یا کار «غلطی»

۱. به عبارت ساده‌تر، کسری تجاری به معنای این است که کشوری بیش از آنکه کالا و خدمات خود را به کشوری بفروشد به خرید کالاها و خدمات از آن کشور می‌پردازد. این کسری موضوع برجسته‌ی مبارزات انتخاباتی دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ بود و یکی از عوامل اصلی سر کار آمدن او، جنگ تجاری علیه چین بود. طبق گزارش دفتر تجزیه و تحلیل اقتصادی ایالات متحده (BEA)، در سال ۲۰۱۹، کسری تجاری ایالات متحده ۵۷۶.۹ میلیارد دلار بود. ایالات متحده ۳.۱ تریلیون دلار کالا و خدمات وارد کشور کرده است در حالی که ۲.۵ تریلیون دلار کالا و خدمات صادر کرده است. این کسری نسبت به سال ۲۰۱۸ که ۵۷۹.۹ میلیارد دلار بود کمتر است.

انجام دهند، چین کاملاً قادر است با استفاده از آسیب‌پذیری زنجیره تأمین آن‌ها به منافع اقتصادی‌شان آسیب جدی بزند؛ لذا به نفع آن‌هاست که همه‌چیز را تا آنجا که می‌توانند آرام نگه دارند. در حالی که آن‌ها به‌طور کل طرفدار ایده «جداسازی سریع از چین» نیستند، اما بسیاری از آن‌ها از ایده مواجهه جدی با چین به‌ویژه در حوزه‌هایی مثل سرقت مالکیت معنوی و یارانه‌های داخلی حمایت می‌کنند؛ چراکه آن‌ها به‌طور فزاینده‌ای می‌بینند که چین نه تنها در فکر به چالش کشیدن بازار شرکت‌های آمریکایی در چین است، بلکه برای کنترل بازار آن‌ها در تمام دنیا برنامه‌ریزی می‌کند. در واقع، بسیاری از شرکت‌ها و اندیشمندان آمریکایی تاکنون فهمیده‌اند که بدون تغییر جدی سیاست‌ها در قبال چین، غرب، نقش طولانی‌مدتی در بازار چین و حتی در بازار جهان نخواهد داشت؛ یعنی همان اتفاقی که تا امروز برای برخی از صنایع مانند صنایع مربوط به پنل‌های خورشیدی، تجهیزات مخابراتی و راه‌آهن سریع‌السیر افتاده است، برای بسیاری از صنایع دیگر هم خواهد افتاد.

در همان زمان، به‌طور فزاینده‌ای همین شرکت‌های آمریکایی در خاک آمریکا مورد حمله شاهین‌های چین^۱ قرار می‌گیرند، مانند مشاور کاخ سفید، پیترو ناوارو که به‌طور منظم به شرکت‌های آمریکایی نه تنها به خاطر تهیه مواد و دریافت خدمات از چین، بلکه حتی بابت فروش کالا و خدمات به چین حمله می‌کند.^۲

۱. از آنجایی که همه‌گیری ویروس کرونا باعث آغاز دوره جدیدی از بدبینی به دولت چین شده است، سه سناتور آمریکایی فشار می‌آورند تا این کشور موضع سخت‌تری نسبت به چین اتخاذ کند. این سه سناتور یعنی تام کاتن از آرکانزاس، مارکو رویو از فلوریدا و جاش هاولی از میسوری، مدت‌ها قبل از شناسایی ویروس کرونا در ایالات متحده به‌عنوان شاهین چین شناخته می‌شدند.

2. Diona Chiacu et al., "White House adviser Navarro suggests Microsoft divest China holdings," Reuters, August 2020, 3, <https://www.reuters.com/article/us-usa-tiktok-navarro/white-house-adviser-navarro-suggests-microsoft-divest-china-holdings-idUSKBN24Z1SM>.)

عدم تمایل این شرکت‌ها به انتقاد از چین و برخورد و مواجهه با او کاملاً در تضاد با سازمان‌هایی است که چین را یک رقیب مستقیم یا حتی وجودی می‌دانند. مثلاً این دو دیدگاه را در نظر بگیرید:

اگر چین به‌عنوان یک رقیب بزرگ تجاری دیده شود

شرکت‌های فعال در حوزه فناوری اطلاعات (IT)، تجهیزات مخابراتی، فولاد، صفحات خورشیدی، اسباب‌بازی، نساجی و بقیه این نوع صنایع علناً اظهار می‌کنند که رقابت با چین به این شکل «ناعادلانه» است: سرقت مالکیت معنوی (IP)، یارانه‌های دولتی شرکت‌های چینی، دست‌کاری ارزش ارز، دست‌مزد سرکوب‌شده کارگران چینی، بازارهای محافظت و محدودشده و نقض قوانین سازمان تجارت جهانی (WTO) همگی از دلایل این شرکت‌ها برای ادعای ناعادلانه بودن شرایط رقابت با چین است. البته شرکت‌های کوچک‌تر و چندملیتی نیز غالباً در همین اردوگاه حضور دارند و جای تعجب نیست که اغلب از مقامات دولتی می‌خواهند «به محافظت از مشاغل کمک کنند» که یعنی انتظار دارند دولت با چین برخورد کند!

بسیاری از شرکت‌های آمریکایی - به‌ویژه در صنایع خودروسازی و صنعت عناصر نیمه‌هادی - زمانی از ژاپن به روش‌های مشابه شکایت کردند که تأثیر قابل توجهی هم داشت.

در کل پیش‌بینی می‌شود هرچقدر چین در صنایع بیشتری، بخصوص

صنایعی که «ساخت چین ۲۰۲۵»^۱ آن‌ها را هدف گرفته است رقابت را از دیگران بریابد، احتمالاً شاهد انتقال شرکت‌های بیشتری به این گروه خواهیم بود.

اگر چین به‌عنوان یک رقیب بزرگ نظامی یا ژئوپلیتیکی دیده شود

چین اکنون یک قدرت بزرگ نظامی در شرق آسیا است و به همین علت دیگر نمی‌توان سلطه آمریکا در منطقه را در طول دهه ۲۰۲۰ مسلم دانست.

به همین ترتیب، از طریق طرح Belt and Road initiative^۲، بانک توسعه بین‌المللی و تعامل با نهادهای جهانی مانند صندوق بین‌المللی پول (IMF) و سازمان بهداشت جهانی (WHO) و بسیاری سیاست‌های دیگر، نفوذ چین در آسیا، آفریقا، ایران، روسیه، جنوب و اروپای شرقی و آمریکای لاتین به‌طور مداوم افزایش یافته است. آن دسته رهبران غربی که از منظر نظامی و ژئوپلیتیک به صحنه نظاره می‌کنند هم مایل‌اند با چین مواجهه‌ای جدی صورت بگیرد و باید گفت که اتفاقاً صدای آن‌ها، به‌ویژه وقتی از حنجره دفاع ملی بیرون می‌آید، حتی بیشتر از صدای اهالی تجارت و اقتصاد شنیده می‌شود؛ چراکه وقتی وزارت دفاع ایالات متحده می‌گوید خودکفایی در تولید فناوری‌های پیشرفته از امنیت ملی جدا نیست، نمی‌توان این سخن را به‌سادگی نادیده گرفت. می‌شود گفت که نکاتی که

۱. ساخت چین ۲۰۲۵ یک برنامه استراتژیک ملی برای توسعه بیشتر بخش تولید چین است که توسط نخست‌وزیر لی کیانگ و کابینه وی در مه ۲۰۱۵ منتشر شد.

۲. ابتکار کمربند و جاده که قبلاً به نام One Belt One Road یا به‌اختصار OBOR شناخته می‌شد یک استراتژی توسعه زیرساخت جهانی است که در سال ۲۰۱۳ توسط دولت چین برای سرمایه‌گذاری در ۷۰ کشور و سازمان بین‌المللی اتخاذ شده است.

در بالا مطرح شد، صرفاً دو نوع مختلف رقابت است: اولی رقابت تجاری و دیگری رقابتی نظامی/سیاسی است؛ این نکته، نکته درستی هم هست، اما در این مقاله ما با هر یک از این دو نوع «رقابت» متفاوت برخورد می‌کنیم؛ زیرا این دو جنس رقابت در عین اشتراک در لفظ، در مفهوم افتراقات بسیاری دارند، چراکه مسئله امنیت ملی از نگرانی‌های «صرفاً» تجاری بسیار مهم‌تر است.

برخلاف شرکت‌هایی که چین را بیشتر به‌عنوان یک بازار خوب یا یک تأمین‌کننده می‌شناسند، آن‌هایی که چین را یک رقیب جدی می‌دانند اغلب مایل به مواجهه با چین هستند و از ایده جداسازی اقتصاد از چین حمایت می‌کنند. این تفاوت‌های اساسی که بین اردوگاه ادغام و جداسازی وجود دارد وقتی بیشتر می‌شود که بسیاری از مشهورترین شرکت‌های آمریکایی - مانند اپل، وال مارت و نایک - چین را جامع همه موارد فوق می‌دانند؛ یعنی او را هم به‌عنوان یک بازار بزرگ، هم به‌مثابه یک تأمین‌کننده عمده مواد و خدمات و هم به‌عنوان یک رقیب جدی به رسمیت می‌شناسند. در چنین شرایط پیچیده‌ای، ایجاد نوعی سیاست برخورد مؤثر کوتاه‌مدت، حتی دشوارتر هم می‌شود، زیرا منافع یک شرکت در این منطقه نه تنها می‌تواند با منافع دیگر شرکت‌ها و دولت ایالات متحده در تضاد قرار بگیرد، بلکه حتی منافع یک بخش از یک شرکت می‌تواند با منافع بخش‌های دیگر همان شرکت هم در تضاد واقع شود.

این تفاوت‌های اساسی که بین اردوگاه ادغام و جداسازی وجود دارد وقتی بیشتر می‌شود که بسیاری از مشهورترین شرکت‌های آمریکایی چین را جامع همه موارد فوق می‌دانند؛ یعنی او را هم به‌عنوان یک بازار بزرگ، هم به‌مثابه یک تأمین‌کننده عمده مواد و خدمات و هم به‌عنوان یک رقیب جدی به رسمیت می‌شناسند.

به‌طور خلاصه، نیاز به رقابت با چین در هر چهاربعدهی که در شکل ۲ نشان داده‌شده، از نظر تاریخی سیاست‌گذاران ایالات‌متحده (و سایر کشورهای غربی) را در یک بن‌بست قرار داده است: انجام کاری که مستقیماً به یک شرکت یا صنعت ایالات‌متحده کمک کند بدون تأثیر منفی بر دیگر شرکت‌ها، اغلب دشوار بوده است و این‌طور به نظر می‌رسد که سیاست‌های مختلف تجاری ایالات‌متحده ممکن است به همان اندازه‌ای که شرکت‌های چینی به برخی از شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان آمریکایی آسیب می‌زنند، به آن‌ها آسیب برساند؛ یا درحالی‌که یک‌سری از سیاست‌ها به تعدادی از شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان آمریکایی کمک می‌کند، به تعدادی دیگر از شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان آسیب برساند. تصمیم اخیر در مورد تعلیق وضعیت ویژه هنگ‌کنگ^۱ نمونه خوبی از سیاستی است که عمیقاً به نفع تعدادی از شرکت‌ها و صنایع بود و به ضرر تعداد دیگری از شرکت‌ها و صنایع. (علت حمایت‌های اخیر دولت آمریکا

۱. وضعیت ویژه هنگ‌کنگ وضعیتی بود که اجازه می‌داد ایالات‌متحده و هنگ‌کنگ با تجارت رایگان دلار آمریکا و دلار هنگ‌کنگ، عملاً بدون تعرفه و سفر بدون ویزا بین ایالات‌متحده و هنگ‌کنگ روابط تجاری مشمر ثمر داشته باشند.

از صنایع داخلی و سیاست‌های صنعتی معطوف به فعالیت بومی هم این است که عملکرد مثبت این بخش‌ها وابسته به وضعیت مرزهای خارجی نیست.

همان‌طور که در شکل ۳ نشان داده شده است، شاید برای شاهین‌های چین بسیار آزاردهنده باشد که امروز در گروه تداوم/ادغام بخش‌های بیشتری از صنعت، در مقایسه با گروه مقابله/جداسازی وجود دارد؛ این یک واقعیت اساسی است که در بسیاری از بحث‌های دولت و رسانه‌ها به مقدار لازم و کافی به آن پرداخته نشده است، اما همین واقعیت باعث شده صدای آرام تداوم/ادغام بر صداهاى بلندتر تغییر/جداسازی غلبه پیدا کند.

واقعیت تلخ آن است که منافع تجاری کوتاه‌مدت غرب بر منافع استراتژیک بلندمدت غرب مسلط شده است. واقعیت تلخ‌تر آن است که غرب خودش این فن‌آوری‌ها را منتقل کرده و مهندسان و دانشجویان را آموزش داده و کارخانه‌هایی را که اکنون خودش به آن‌ها وابسته است را در چین راه‌اندازی کرده. (هرچند با فشار چین.)

	Is China Often a Major Market?	Is China Often a Major Supplier?	Is China Often a Major Competitor?
1. Banking and capital markets	No	No	No
2. Life, P&C, and health insurance	No	No	No
3. Health care, pharmaceuticals, and life sciences	Yes	Yes	No
4. Retail, wholesale, and distribution	Yes	Yes	No
5. Discrete and process manufacturing	Yes	Yes	Yes
6. Energy, transportation, and utilities	Yes	Yes	No
7. Travel, entertainment, and hospitality	Yes	No	No
8. Media, publishing, and information services	Yes	No	No
9. Professional services --	Yes	No	No
10. Food and Agriculture	Yes	No	No
11. IT hardware, software, and internet services	Yes	Yes	Yes
12. Defense and defense contractors	No	No	Yes
13. University education	Yes	No	No
14. Government	No	No	Yes
Totals	Yes = 10	Yes = 5	Yes = 4
	Favors Continuity		Favors Change

شکل ۳: در مجموع، طرفدارانِ ادغام در چین از طرفدارانِ جداسازی از آن بیشترند.

چهار بعد اصلی برای رقابت اقتصادی ملی، بازار، رقیب، تأمین کننده مواد اولیه و رقیب ژئوپلیتیک است و همان‌طور که در شکل ۱ نشان داده‌شده، چین رهبری اقتصاد جهان را در هر چهار بعد به‌صورت جدی دنبال می‌کند؛ در واقع چین همین امروز هم بزرگ‌ترین بازارِ خودرو، کالای الکترونیک، موبایل، فولاد و بسیاری از محصولات دیگر در جهان است و این در بسیاری از صنایع عامل بسیار مهم و مفیدی برای چین است که بتواند رقابت اقتصادی را پیروز شود. فراتر از آن، شاید اساساً رشد روزافزون قدرت اقتصادی و موفقیت خارق‌العاده آن در خارج کردن مردم از فقر و ایجاد سطحی از رفاه «واقعاً» عمومی، به چین کمک کند تا به‌عنوان یک مدل اقتصادی و اجتماعی جایگزینِ غرب و بخصوص جایگزین آمریکا مورد توجه جهان واقع شود؛ الگویی که تفاوت‌های فاحشی با هنجارهای غربی دارد.

از صنایع داخلی و سیاست‌های صنعتی معطوف به فعالیت بومی هم این است که عملکرد مثبت این بخش‌ها وابسته به وضعیت مرزهای خارجی نیست.

همان‌طور که در شکل ۳ نشان داده شده است، شاید برای شاهین‌های چین بسیار آزاردهنده باشد که امروز در گروه تداوم/ادغام بخش‌های بیشتری از صنعت، در مقایسه با گروه مقابله/جداسازی وجود دارد؛ این یک واقعیت اساسی است که در بسیاری از بحث‌های دولت و رسانه‌ها به مقدار لازم و کافی به آن پرداخته نشده است، اما همین واقعیت باعث شده صدای آرام تداوم/ادغام بر صداهاى بلندتر تغییر/جداسازی غلبه پیدا کند.

واقعیت تلخ آن است که منافع تجاری کوتاه‌مدت غرب بر منافع استراتژیک بلندمدت غرب مسلط شده است. واقعیت تلخ‌تر آن است که غرب خودش این فن‌آوری‌ها را منتقل کرده و مهندسان و دانشجویان را آموزش داده و کارخانه‌هایی را که اکنون خودش به آن‌ها وابسته است را در چین راه‌اندازی کرده. (هرچند با فشار چین.)

بخش سوم

اکثر صنایع همچنان ادامه همکاری با چین را می‌خواهند



بخش سوم

اکثر صنایع همچنان ادامه همکاری با چین را می‌خواهند

شکل ۳ وضعیت صناعی را که تداوم و ادغام در اقتصاد چین را ترجیح می‌دهند و صناعی که تمایل بیشتری به مقابله با وضع موجود دارند را نشان می‌دهد. در حالی که قرار دادن بخش‌های عظیم و متنوع صنعت در دسته‌های بله و خیرِ دودویی، انتقادات بسیاری را برمی‌انگیزد و کاری علمی و درست به نظر نمی‌رسد، اما این گروه‌بندی برای بیان اهداف و انتقال معنای مدنظر ما کاملاً مناسب است. پیام اصلی شکل ۳ این است که اکثریت صنایع نشان داده‌شده (۱۰ صنعت) چین را یک بازار بزرگ می‌دانند و حداقل ۲ صنعت دیگر (بانکداری و بازار سرمایه و بیمه) سخت تلاش می‌کنند تا به بازار چین قدرت بیشتری بدهند. علاوه بر این، در ۵ بخش از این ۱۰ بخش، چین همچنین یک تأمین‌کننده عمده مواد و خدمات است.

وضعیت تجارت ۱۰ شرکت بزرگ ایالات متحده در چین را در نظر بگیرید:

- استارباکس ۴۱۰۰ مغازه، مک‌دونالد ۲۳۰۰ رستوران و وال‌مارت ۴۳۰ فروشگاه در چین دارند.
- درآمد اپل از چین بیش از ۴۰ میلیارد دلار، اینتل ۲۰ میلیارد دلار و نایک ۶ میلیارد دلار است.
- چین بزرگ‌ترین بازار بین‌المللی NBA است.
- جنرال موتورز سالانه ۳ میلیون ماشین در چین تولید می‌کند و چین عامل بیش از ۲۰ درصد از درآمد تجاری بوئینگ است.

به‌راحتی می‌توان شرکت‌های غربی بیشتری را لیست کرد که در چین عملکرد خوبی دارند و با ایده‌های جداسازی اقتصادی به‌طور جدی مخالف‌اند. در مقابل، فقط چهار بخش صنعت، یعنی بخش تولید سنتی، فناوری اطلاعات (IT)، دفاع و دولت‌های محلی در حال حاضر چین را به‌طور عمده یک رقیب می‌بینند که سه مورد نخست این لیست هم به خاطر تولید محصولات چینی هستند با جداسازی موافق‌اند؛ اما حتی در اینجا هم تنش‌ها و درگیری‌های ناشی از حضور قدرتمند چندبعدی چین، اغلب منجر به فلج شدن سیاست‌گذاری شده است. به‌عنوان مثال، محافظت از سازندگان فولاد ایالات متحده در برابر رقابت نااعدانه چینی‌ها باعث افزایش قیمت فولاد برای سازندگان آمریکایی ماشین، تراکتور و

ماشین لباسشویی می‌شود، این افزایش قیمت باعثِ گران‌تر شدنِ محصولاتِ تولیدشده می‌شود و این گرانیِ تولیدات باعث می‌شود این تولیدکنندگان در سطح جهانی مکان رقابت کمتری داشته باشند. به همین دلیل که بسیاری از اقتصاددانان و اندیشکده‌های تجارت محور مدت‌هاست که توصیه می‌کنند در چنین شرایطی دولت یا کاری نکنند یا کارهای کوچکی انجام دهد و اجازه دهد خود بازار، خودش را مرتب کند، حتی زمانی که مزیت‌های بازار چین ناشی از نیروهای غیر بازاری است. با افزایش دامنه پیشرفت‌های اقتصادی چین، محبوبیت این تفکر بسیار کاهش یافته، چراکه مشخص شده است که چین به سمت مدل غربی بازار آزاد و دموکراسی پیش نمی‌رود.

بخش چهارم

اقدامات اخیر علیه هوآوی اوضاع را دگرگون می کند:
اما به سمت بهتر شدن یا بدتر شدن؟!



بخش چهارم

اقدامات اخیر علیه هوآوی اوضاع را دگرگون می کند:
اما به سمت بهتر شدن یا بدتر شدن؟!!

در همین اواخر مشخص شد که سوژه هوآوی به نمونه بارز یک مورد از فلج شدن سیستم سیاست گذاری ما تبدیل شده است. در مدل چهاربخشی ما، این منافع متضاد و متناقض را نظاره کنید:

۱	چین برای شرکت های فعال در حوزه عناصر نیمه رسانا مانند Intel، Qualcomm و Broadcom یا برای ارائه دهندگان نرم افزار مانند Google و هوآوی یک مشتری اصلی محسوب می شود.
۲	چین برای ارائه دهندگان خدمات مخابراتی در بسیاری از کشورها یک تأمین کننده عمده مواد اولیه و خدمات است. (هوآوی)
۳	چین برای سازندگان گوشی های هوشمند مانند اپل و سامسونگ، ارائه دهندگان رایانه مانند Dell و ارائه دهندگان تجهیزات مخابراتی مانند اریکسون و نوکیا، هوآوی یک رقیب اصلی است.
۴	هوآوی برای ایالات متحده، انگلستان، استرالیا و تعداد فزاینده ای از کشورها به عنوان یک خطر بزرگ امنیت ملی تلقی می شود؛ اما از طرفی برای بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، چین مهم ترین طلبکار و یا شریک تجاری اصلی آن ها است.

تقریباً غیرممکن است که بتوان سیاست‌های کوتاه‌مدتی مطابق با منافع هر چهار گروه اتخاذ کرد. همین مسئله توضیح می‌دهد که «چرا بسیاری از مقامات دولتی مدت‌های مدیدی است که در مورد چالش صنعت تکنولوژی یک چین صحبت کرده‌اند، اما اقدامات خیلی کمی در آن راستا انجام داده‌اند؟». باین حال، اوضاع تغییر کرده است. دولت‌های ایالات متحده و انگلیس به وضوح با استدلال‌های رقابتی، دفاع ملی و حقوق بشری مواجه شده‌اند و مجبور شده‌اند که لاقلاً در حال حاضر به مقابله مستقیم با هوآوی بپردازند.

به روند اقدامات اخیر علیه هوآوی دقت کنید:

- **جولای ۲۰۱۸:** تعرفه‌های گسترده ایالات متحده بر طیف گسترده‌ای از محصولات وارداتی از چین اعمال می‌شود.
- **دسامبر ۲۰۱۸:** مدیر مالی هوآوی، منگ وانژو، بنا به درخواست ایالات متحده در کانادا بازداشت شد.
- **مه ۲۰۱۹:** ایالات متحده برند هوآوی را تهدیدی برای امنیت ملی می‌داند و بدین ترتیب محدودیت‌هایی را برای شرکت‌های ایالات متحده با هوآوی ایجاد می‌کند، از جمله سازندگان تراشه‌های آمریکایی و Google و ارائه دهندگان خدمات نرم‌افزاری و برنامه‌های اندرویدی
- **مه ۲۰۲۰:** ایالات متحده تراشه‌سازان جهانی را از استفاده از تجهیزات

ساخت ایالات متحده هنگام کار با هوآوی منع می‌کند.

- **جولای ۲۰۲۰:** ایالات متحده وضعیت ویژه هنگ‌کنگ را از طریق قانون خودمختاری هنگ‌کنگ، در پاسخ به چین که قوانین جدیدی برای امنیت ملی وضع کرده است، پایان می‌دهد.

- **جولای ۲۰۲۰:** انگلستان و سنگاپور استفاده از فناوری ۵G هوآوی را به دلایل امنیت ملی ممنوع کردند.

- **آگوست ۲۰۲۰:** اقدامات قابل توجهی علیه تیک‌تاک، وی‌چت و بعضی افراد حقیقی چینی صورت گرفت و اعلامیه ابتکار «شبکه پاک»^۱ توسط وزارت امور خارجه اعلام شد. (سنگاپور و ژاپن نیز اخیراً هوآوی ۵G را ممنوع کرده‌اند).

هرچند که در دل این اقدامات هدفمندی خاصی مشاهده می‌شود اما این اقدامات به وضوح نشان می‌دهد نظر دولت مبنی بر سردادن شعارهایی که فضای رقابتی بازار آزاد را تبلیغ می‌کرد بشدت تغییر کرده است. فرمان خودسانسوری دادستان کل ایالات متحده ویلیام بار در ۱۶ ژوئیه خطاب به اپل، هالیوود و سایر شرکت‌ها برای جلوگیری از هرگونه تبلیغات برای چین هم شواهد دیگری از این تغییر است. وزیر امور خارجه ایالات متحده مایک پمپئو در ۲۳ ژوئیه حتی پا را فراتر نهاد و سخنان حیرت‌انگیزتری را ارائه داد و از یک طرح ابتکاری بزرگ و مدلی گسترده‌تر طرح شبکه پاک در راستای محدود کردن تعامل داده‌ها با چین سخن گفت که کاری تقریباً غیرممکن است. این دو اتفاق، هر دو نشانه‌ای از تغییرات واقعی سیستم سیاست‌گذاری

۱. برنامه Clean Network رویکرد جامع دولت ترامپ در جهت حفاظت از دارایی‌های کشورهای کشور از جمله حریم خصوصی شهروندان و حساس‌ترین اطلاعات شرکت‌ها در برابر دخالت‌های تهاجمی بازیگرانی مثل حزب کمونیست چین است.

هستند؛ لاقلاً در دولت دونالد ترامپ.

جای تعجب نیست که ممنوعیت‌های هوآوی خشم چین را برانگیخته است؛ تصور کنید چه اتفاقی می‌افتاد اگر چین اقدامات مشابهی را علیه اپل یا نایک انجام می‌داد. شرکت‌های آمریکایی و بریتانیایی که در چین فعالیت می‌کنند امیدوارند از سیل به راه افتاده تلافی جویی در امان بمانند، البته چین کاملاً می‌داند که تا امروز هم محدودیت‌های زیادی را برای شرکت‌های تکنولوژیکی ایالات متحده که در چین فعالیت می‌کنند قرار داده است، بنابراین خودش می‌داند که فقط می‌تواند و فقط باید غر بزند!

علاوه بر این، خودشان به خوبی می‌دانند که «فضای کسب‌وکار چین» برای شرکت‌های خارجی مثل اتاق شکنجه است و می‌توان بن شدنِ هوآوی را صرفاً تقاص شرکت‌های غربی از چین در نظر گرفت. اگرچه این تحریم‌ها به‌وضوح در کوتاه‌مدت به هوآوی آسیب می‌رسانند، اما چیزی که از این تحریم‌ها مهم‌تر است آن است که تحریم‌ها باعث شده‌اند تلاش‌های این شرکت برای خودکفایی در فن‌آوری‌های پیشرفته - از جمله نرم‌افزار - آن‌هم با حمایت کامل دولت چین و مردم آن دوچندان شود. (بسیاری از مردم چین هوآوی را به‌عنوان مهم‌ترین شرکت فناوری چین می‌دانند).

۱. مثلاً فیس‌بوک، موتور جستجوگر گوگل و توئیتر اساساً ممنوع یا مسدود شده‌اند.

بخش پنجم

طرفداران نظریه انحطاط برمه خیزند



بخش پنجم

طرفداران نظریه انحطاط برمه خیزند

امروزه چین برندهای شناخته شده نسبتاً کمی در ایالات متحده دارد. از جمله مشهورترین آن‌ها می‌توان به انکر، دی‌جی‌آی^۱، هایر^۲، هایسنس^۳، لنوو^۴، هوآوی^۵، تیک‌تاک، زدتی‌ای^۶ و برخی از شرکت‌های بازی اشاره کرد. در این میان غیر از تیک‌تاک، هیچ‌یک از آن‌ها برندهایی نیستند که تمام آمریکایی‌ها آن را شناخته و نامش در جامعه جریان داشته باشد؛ اما از آنجاکه تأسیس برندهای جهانی یکی از اهداف بلندمدت چین است، افزایش توانایی غرب در به چالش کشیدن مستقیم شرکت‌های چینی، می‌تواند یک استراتژی مهم در ایجاد فشار برای آینده باشد. در نظر بگیرید که چگونه ایالات متحده و اروپا، تویوتا^۷ و دیگر خودروسازان ژاپنی را تحت فشار قرار دادند تا اتومبیل‌های بیشتری را در بازارهای خودشان تولید کنند؛ مصرف محصولات ژاپنی در بازارهای شرق آسیا و آسیا، باعث کاهش طراز تجاری ایالات متحده شده و کاهش طراز تجاری و حمایت از ایجاد مشاغل جدید محلی تا حد زیادی از مقدار تنش‌های تجاری بین

1. Anker
2. DJI
3. Haier
4. Hisense
5. Lenovo
6. ZTE
7. Toyota

آمریکا و ژاپن را که مدت‌های زیادی است جریان دارند کاهش داده است.

در حالی که برند سازی جهانی برای چین زمان زیادی از او خواهد گرفت، اما پرونده هوآوی آن قدر خاص و قدرتمند بود که ناگهان تنش‌های ایالات متحده/چین را دوباره بر سر زبان‌ها بیندازد. اگرچه قطعاً غیرممکن نیست که بتوان تحت شرایطی از سطح تنش‌ها کاست، اما با تحلیل وضعیت موجود بیشتر به نظر می‌رسد یک مبارزه اقتصادی پیروز/بازنده در جریان است که نهایتاً مشخص خواهد کرد کدام کشور قدرتمندتر است و کدام کشور می‌تواند در حوزه صنایع خاص پیروز شود، به‌ویژه هنگامی که چین به مجموعه‌ای از صنایع و حوزه‌های تکنولوژیکی پیشرفته‌ای که در حال حاضر ایالات متحده در آن‌ها قوی‌تر است^۱ حمله کرده.

در این میان دو سناریوی متناقض وجود دارد که نشان می‌دهد: (۱) انحطاط ایالات متحده به‌خوبی عیان است و بیشتر خواهد شد و ممنوعیت‌های هوآوی اقدامات ناامیدانه و مذبحخانه یک ملت عصبانی است که باخت خود را انکار می‌کنند و حاضر نیستند به این شکست تلخ اعتراف کنند؛ یا (۲) رهبری 5G هوآوی همان زنگ بیدارباش است که ایالات متحده را وادار به پاسخگویی می‌کند؛ یک پاسخ قدرتمندانه از جنس همان مواجهه‌ای که پیش‌از این در برابر اتحاد جماهیر شوروی و ژاپن اتخاذ شده بود. بیایید هر دو سناریو را بررسی کنیم:

۱. از جمله حوزه عناصر نیمه‌هادی، داروسازی و تکنولوژی فضایی

طرفداران نظریه انحطاط ابرمی خیزند

فقط به این دلیل که از دهه ۱۹۶۰ کارشناسان به‌طور دوره‌ای، از دست دادن رهبری جهانی آمریکا را پیش‌بینی کرده‌اند ولی هیچ‌گاه محقق نشده، به معنای اشتباه بودن مجدد این پیش‌بینی در قبال چین نیست؛ لذا هم در آسیا و هم در غرب بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند چین قدرت غالب قرن ۲۱ خواهد بود. با نگاهی به جلو و با توجه به اینکه سال ۲۰۲۱ صدمین سالگرد تأسیس حزب کمونیست چین خواهد بود همه انتظار دارند چین با موفقیت‌های خود جهان را قبضه کند: کاهش فقر، رفتن به مریخ، رهبری جهان در هوش مصنوعی و انرژی‌های پاک، مبارزه با کووید ۱۹ و غیره.

اگرچه هیچ‌کس نمی‌تواند به‌طور یقینی بگوید که آیا آینده دنیا را چین قدر قدرت، یا آمریکای احیا شده، جهان تقسیم‌شده به بلوک‌های ژئوپلیتیک جدید، متعادل شدن مجدد همین وضعیت فعلی یا زنجیره‌ای دیگر از رویدادها تشکیل خواهند داد، اما می‌توان از مدل چهاربخشی ما استفاده کرد تا هر احتمالی را بررسی کرد. بیاید با شرح چگونگی رخداد «نظریه انحطاط غرب» آغاز کنیم:

-بزرگ‌ترین اقتصاد جهان

چین نه تنها می‌تواند بزرگ‌ترین بازار در مناطق مختلف جهان باشد، بلکه می‌تواند تقریباً بزرگ‌ترین اقتصاد و بزرگ‌ترین بازار در

۱. آدام گینیک درباره نظریه انحطاط که نظریه سقوط یا هیبوط هم ترجمه می‌شود می‌گوید: این نظریه در سال ۱۹۱۸ در اثر پرفروش هزار صفحه‌ای تاریخ‌نگار آلمانی اسوالد اسپنگلر، یعنی کتاب «انحطاط دنیای غرب» خلق شده است. این نظریه معتقد به زوال نهایی دنیای پر زرق‌وبرق غرب است و این زوال را توریزه و انحاء مختلف پیش‌بینی می‌کند.

تمام «مناطق کلیدی» دنیا باشد؛ اما برای انجام این کار باید نرخ رشد تولید ناخالص داخلی^۱ را در سطح بالایی نگه دارد و اقتصاد ایالات متحده نیز همچنان در رکود باقی بماند. محقق شدن این مورد به چین نفوذ قابل توجهی در شکل‌دهی قوانین، استانداردها، روندها و هنجارهای اقتصاد جهانی می‌دهد.

– بزرگ‌ترین تأمین‌کننده جهان

اگر جهان بیش‌ازپیش به تولید و فناوری پیشرفته چینی وابسته شود، شیفت قدرت به سمت شرق بسیار بزرگ‌تر خواهد بود، به‌ویژه هنگامی که چین نوآوری‌های خود را به سمت گران و گران‌تر شدن پیش می‌برد. همین حالا هم مشکلاتی که غول‌های تولیدی ایالات متحده مانند بوئینگ، جنرال الکتریک، اچ پی و اینتل با آن‌ها روبرو هستند قطعاً نگران‌کننده است.

– سخت‌ترین رقیب جهان

همان‌طور که بعداً بحث خواهیم کرد، اگر چین در رهبری فناوری جهانی از Silicon Valley^۲ پیشی بگیرد، پیامدهای آن بسیار عمیق خواهد بود، زیرا فناوری اطلاعات زیربنای هر بخش صنعتی است. علاوه بر آن، چین به دنبال ایجاد مزیت نسبی در خود، در سایر بخش‌های فن‌آوری‌های پیشرفته، از جمله انرژی پاک و علوم حیاتی^۳ هم است.^۴

1. GDP

۲. سیلیکون ولی، واقع در خلیج سان‌فرانسیسکو در جنوب کالیفرنیا، یک مرکز جهانی نوآوری در فن‌آوری است. سیلیکون ولی میزبان دهها شرکت بزرگ فناوری، نرم‌افزار و اینترنت است. این منطقه از روی مادهای اصلی ساخت ریزپردازنده‌های کامپیوتری - سیلیکون - نام‌گذاری شده است.

۳. علوم حیاتی به آن دسته از شاخه‌های علمی گفته می‌شود که شامل مطالعه زندگی و ارگانیسم‌های دارای حیات می‌شود؛ مانند میکروارگانیسم‌ها، گیاهان، حیوانات و بخصوص انسان‌ها. این علم یکی از دو شاخه اصلی علوم طبیعی است و شاخه دیگر، علوم فیزیکی است که مربوط به مواد غیرزنده است.

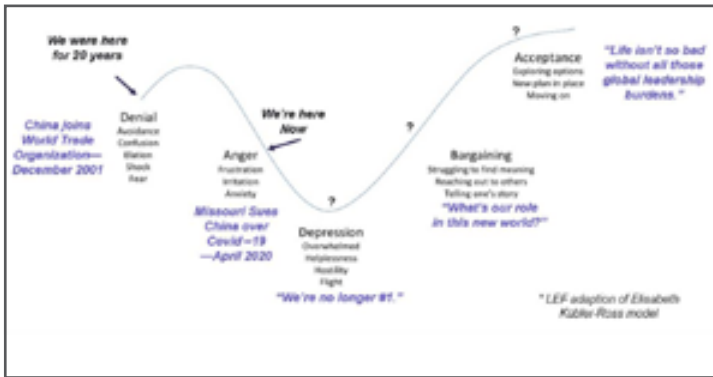
4. Robert D. Atkinson, "China's Biopharmaceutical Strategy: Challenge or Complement to U.S. Industry Competitiveness?" (ITIF, August 2019), <https://itif.org/publications/12/08/2019/chinas-biopharmaceutical-strategy-challenge-or-complement-us-industry>.

- رقیب اصلی ژئوپلیتیک

بسیاری از ملت‌های کمتر دموکراتیک تمایل دارند از مدل قدرتمند دولت مرکزی چین و کنترل‌های دولتی بر اینترنت و خدمات و رسانه‌های مرتبط تقلید کنند. به‌عنوان مثال، ۵۳ کشور - اکثراً در خاورمیانه و آفریقا - حمایت خود را از سیاست‌های جدید چین اعلام کرده‌اند و فقط ۲۷ کشور - اکثراً در اروپا و ملت‌های Five Eyes^۱ علیه آن صحبت کرده‌اند. اکثر کشورهای دنیا همین امروز هم خواهان «مثل چین شدن» هستند. اگر چین با ایالات متحده در زمینه اعمال قدرت نظامی هم رقابت کند، این تقسیم‌بندی‌ها به راحتی به مجادله‌ای بزرگ ختم خواهند شد.

باز هم می‌گوییم، این‌ها هیچ‌کدام پیش‌بینی نیستند، بلکه سناریوهایی واقعی و در جریان هستند؛ و اما برای کامل شدن ارائه سناریوی انحطاط غرب، باید تصدیق کنیم که در دنیا الگوی تغییر واضحی به وجود آمده که اگر بدون کنترل رها شود، می‌تواند پیامدهای برگشت‌ناپذیری برای جهان غرب داشته باشد.

۱. ملت‌های پنج چشم (FVEY) یک اتحاد اطلاعاتی متشکل از استرالیا، کانادا، نیوزیلند، انگلستان و ایالات متحده است. این کشورها طرف توافقنامه‌ی چندجانبه‌ی UKUSA هستند که معاهده‌ای برای همکاری مشترک در زمینه‌ی «Signal Intelligents» می‌باشد. اطلاعات سیگنالی به حوزه‌ای در عملیات اطلاعاتی-امنیتی گفته می‌شود که مربوط به ره‌گیری سیگنال‌های اینترنتی است.



شکل ۴: آیا ایالات متحده (و غرب) پنج مرحله اندوه^۱ را دنبال می‌کنند؟

بیشتر خوانندگان درباره مدل الیزابت کوبلر-راس شنیده‌اند که پنج مرحله غم و اندوه را به تصویر می‌کشد. اگرچه این مدل در اصل برای کمک به مردم در درک احساسات متغیر ناشی از مرگ نزدیکان ایجاد شده است، اما از آن زمان این مدل برای صحبت در مورد چگونگی کنار آمدن با طیف گسترده‌ای از تجربیات دشوار زندگی استفاده شده است. شکل ۴، پنج مرحله انکار، خشم، افسردگی، چانه‌زنی و پذیرش را از طریق دریچه دید ایالات متحده از رقابت با چین نشان می‌دهد. از بسیاری جهات، انگلستان به‌عنوان رهبر جهان در دهه ۱۹۳۰ قبلاً این فرایند را طی کرده است و در طی پنج دهه مقدار زیادی از قدرت جهانی و توان رقابت اقتصادی خود را از دست داده است.^۲ با نگاه کردن به شکل ۴، کاملاً واضح است که ایالات متحده فاز ۱ را پشت سر گذاشته و اکنون کاملاً در مرحله ۲ قرار دارد

۱. پنج مرحله مدل غم و اندوه یا مدل Kübler-Ross فرض می‌کند کسانی که غم و اندوه را تجربه می‌کنند، از پنج نوع احساس عبور می‌کنند: انکار، عصبانیت، چانه‌زنی، افسردگی و پذیرش. اگرچه در فرهنگ عامه معمولاً به این مدل اشاره و به آن استناد می‌شود، اما مطالعات علمی به‌صورت تجربی وجود این مراحل را اثبات نکرده‌اند.

2. For discussion, see Robert Atkinson and Stephen Ezell, *Innovation Economics: the Race for Global Advantage* (Yale University Press, 2011).

بخش نهم

غرب و پیچ مرحله اندوه



مرحله ۱: انکار

هنگامی که چین در سال ۲۰۰۱ در WTO پذیرفته شد، بسیاری از کارشناسان پیش‌بینی کردند که (۱) با رخ دادن پیشرفت، چین از نظر انواع آزادی‌ها بیشتر به غرب شبیه خواهد شد. آن‌ها همچنین به ما اطمینان دادند که (۲) پیشرفت همه‌ی انواع تجارت جهانی برای ما نهایتاً «خوب» است و پذیرفتن چین و ادغام در آن باعث حرکت مثبت ایالات متحده در زنجیره ارزش^۱ می‌شود، چرا که چین بر تولید کالای مبتنی بر دستمزد پایین تمرکز دارد.^۲

اگرچه امروز ثابت شده است که هر دو ی آن دیدگاه‌ها غلط بوده‌اند، اما این پیش‌بینی‌ها در آن زمان نه کاملاً احمقانه بودند و نه ساده‌لوحانه. مثلاً ژاپن، کره جنوبی و تایوان با توسعه اقتصاد خود دموکراتیک‌تر و یکپارچه‌تر شدند و پیشرفت اقتصادی‌شان باعث افزایش چشمگیر زنجیره ارزش شد. با این حال، سال‌هاست که آشکار

۱. زنجیره ارزش یک مدل تجاری گام‌به‌گام برای تبدیل یک محصول یا خدمات از ایده به کالا است. زنجیره ارزش به افزایش کارآمدی و سودآوری کار کمک مربوط است و هدفش این است که کسب‌وکار بتواند با کمترین هزینه ممکن بیشترین سود را داشته باشد.

۲. منطق این اقتصاددانان این بود که به‌جای اینکه کالاهای آمریکایی را در آمریکا تولید کنیم و به کارگر آمریکایی با دستمزد ساعتی ۲۷.۱۶ دلار حقوق بدهیم، همین کالا را با انتقال تکنولوژی در چین می‌سازیم و به کارگر چینی ساعتی ۲.۶۰ دلار حقوق می‌دهیم. با این روش سوددهی شرکت‌های آمریکایی چند برابر می‌شود. اُمقدار حقوق کارگران آمریکایی و چینی برای این مقاله به‌روز شده است و قبلاً این اختلاف دستمزد بسیار بیشتر بود. نرخ درآمد ساعتی کارگر چینی اگر امروز ۲.۶۰ دلار است، نسبت به سال ۲۰۱۱، ۶۴ درصد افزایش یافته است.

شده چین با ژاپن و کره جنوبی بسیار متفاوت است. متأسفانه، بسیاری از افراد طبقه سیاسی و رهبران فکری ایالات متحده حتی حاضر به اعتراف به این تفاوت نبوده‌اند، چه رسد به اینکه تغییر مسیر چشمگیری را پایه‌گذاری و دنبال کنند. این باور همچنان مشهور که «موفقیت اقتصادی چین عمدتاً ناشی از تقلب، کپی‌برداری و نقض حقوق بشر است» یکی دیگر از نشانه‌های مهم مرحله انکار است.

مرحله ۲: خشم

با توجه به اینکه ابراز نگرانی جدی غربی‌ها در مورد حقوق بشر، سانسور، سیاست‌های تجاری و محیط‌زیست در چین حقیقتاً برای چند دهه مطرح بوده است، اما بازهم دشوار است که از این نتیجه‌گیری جلوگیری کنیم که در واقع مرحله ۲ تا شروع بحران جهانی COVID-۱۹ آغاز نشده بود. چه کسی عصبانیت موجود امروز را کاملاً موجه ببیند و چه اگر کسی آن را بیشتر نوعی حواس‌پرتی یا تلافی نمایش دهد، باید گفت که ما به‌وضوح در دوره خشم هستیم و این واقعیت می‌تواند خطرناک باشد. ناامیدی، تحریک و تحریک‌پذیری، اضطراب و سرزنش می‌تواند به‌راحتی منجر به اقدامات عجولانه و محاسبات غلط طرفین شود. همان‌طور که گفته شد، نمی‌توان فهمید که مرحله خشم چگونه می‌گذرد، اما همین حالا هم اوضاع هر دو طرف در حال بدتر شدن است و اگر روزی

ثابت شود COVID-۱۹ به‌واقع نوعی محصول چینی است، این مواجهه و برخورد خطرناک غیرقابل کنترل خواهد شد.

باین‌حال، فقط به این دلیل که غرب تاکنون از مدل کوبلر-راس پیروی کرده است، به این معنی نیست که مراحل ۳، ۴ و ۵ هم الزاماً دنبال خواهند شد. از این گذشته، ما مراحل ۱ و ۲ را با ژاپن هم پشت سر گذاشته بودیم. اولین دوره یعنی انکار، زمانی بود که ژاپن فقط به‌عنوان یک سازنده اقلام ارزان قیمت و باکیفیت پایین تلقی می‌شد. یا دوره عصبانیت مواجهه با ژاپن حقیقتاً خیلی بسیار بیشتر از امروز و در مواجهه با چین نمود داشت، زیرا ژاپن سلطه خود را بر ایالات‌متحده آغاز کرده بود و در حوزه‌هایی چون بازار اتومبیل، لوازم الکترونیکی خانگی، تراشه‌های حافظه و بسیاری از محصولات دیگر، ایالات‌متحده را تحت فشار گذاشته بود؛ اما این که سه مرحله بعدی در تقابل با ژاپن رخ نداده است، بدان معنی نیست که آینده‌ی ما کاملاً مانند گذشته‌مان خواهد بود.

از امروز و در مواجهه با چین نمود داشت، زیرا ژاپن سلطه خود را بر ایالات‌متحده آغاز کرده بود و در حوزه‌هایی چون بازار اتومبیل، لوازم الکترونیکی خانگی، تراشه‌های حافظه و بسیاری از محصولات دیگر، ایالات‌متحده را تحت فشار گذاشته بود؛ اما این که سه مرحله بعدی در تقابل با ژاپن رخ نداده است، بدان معنی نیست که آینده‌ی ما کاملاً مانند گذشته‌مان خواهد بود.

با در نظر گرفتن نکته قبل اتفاقاً باید گفت که با توجه به حرکت فعلی چین و پتانسیلی که در آینده برای او پیش‌بینی می‌شود، ر خدادِ مراحل ۳، ۴ و ۵ مطمئناً در حیطه امکان قرار دارند. اگر نظریه انحطاط به‌طور کامل اتفاق بیفتد، ممکن است چیزی شبیه به این باشد:

مرحله ۳: افسردگی

اگر حقایق و تحولات آینده راهی برای رهبران آمریکایی باقی نگذارند جز آنکه تصدیق کنند ایالات‌متحده دیگر قدرتِ مسلّم اقتصادی، نظامی، علمی یا رسانه‌ای نیست، یا حتی Silicon Valley دیگر پایتخت فناوری‌های پیشرفته جهان نیست و دیگر کار از کار گذشته واقعاً یک شوک بزرگ سیاسی و فرهنگی خواهد بود. ایالات‌متحده امروز همچنان به دیدگاه American Exceptionalism^۱ و رهبری آمریکا در فن‌آوری پیشرفته وفادار است. این وفاداری لااقل تا حدی برای اهدافِ سیاست داخلی آمریکا مفید است و گرفتن این «خیال» از آمریکایی‌ها، یک بیداری دردناک و پر سروصدا خواهد بود.

مرحله ۴: چانه‌زنی

اگر فاز ۳ اتفاق بیفتد، تصور اینکه ایالات‌متحده تلاش کند از طریق اشکال مختلفِ «چانه‌زنی» مانند واگذاریِ بعضی مسائل به حوزه نفوذ چین، پذیرش جایگاه دوم در نوآوری، تشکیل بلوک‌هایی با دیگر

۱. استئنا گرای عبارت است از یک برداشت یا اعتقاد به اینکه یک‌گونه، کشور، جامعه، نهاد، جنبش، فرد یا یک دوره زمانی «استثنایی» غیرمعمول یا خارق‌العاده است و مثل سایرین نیست. این اصطلاح، چه عیان بیان کرده باشد و چه نه، مفهوم «من برتر هستم» را منتقل می‌کند. نوع آمریکایی استئنا گرای نظریه‌ای است متولد اروپا که بیان می‌کند آمریکا تاریخ و سرنوشت خود را ذاتاً متفاوت از سایر ملل می‌داند؛ چراکه آمریکایی که بر اثر انقلاب آمریکا ظهور کرده به آن چیزی تبدیل شده است که دانشمند سیاسی، سیمور مارتین لیپست گفته بود: «ولین ملت جدید جهان». استئنا گرای آمریکایی یعنی دولت و ملت ایالات‌متحده با تمام دولت‌ها و ملت‌ها متفاوت و از آن‌ها برتر است.

ملت های همفکر، مذاکره در مورد شرایط و ضوابط جدید تجارت و فغیره -دقیقاً مانند آنچه اروپا در دهه های اخیر انجام داده است- به سمت سیاست های حمایت گرایى حرکت کند تصور عجیبى نیست. بعید نیست ایالات متحده در آن شرایط، حتى رقابت تجارى جهانى را هم به کلی نادیده بگیرد و تصمیم بگیرد به یک دولت بزرگ توزیع کننده خدمات و امکانات به مردم خودش تبدیل شده و به دولت محبوب کسب و کارهای کوچک محلى بدل شود. هر کدام از این اتفاقات، پیامدهای تجارى زیادى دارند و بر زنجیره ارزش تأثیر شگرفى خواهند گذاشت.

مرحله ۵: پذیرش

همان طور که انگلستان و اتحادیه اروپا دیگر خود را به عنوان اصلی ترین موتور فنى، اقتصادى، فرهنگى یا رهبر جهانى نمى شناسند، آمریکایی ها نیز ممکن است بپذیرند که تحمل نکردن بار رهبرى جهان چندان هم اتفاق بدى نیست و اتفاقاً مى تواند راهى خوب برای یافتن یک هویت ملي جدید باشد و مسیری تازه برای مراقبت کردن و حمایت از تک تک آمریکایی ها. آمریکا هم ممکن است به یک «پارک موضوعى جهانى»^۱ تبدیل شود با میلیون ها چینی که سالانه در گرند کانیون، میدان تایمز و Capital Mall گشت مى زنند.

بار رهبری جهان چندان هم اتفاق بدی نیست و اتفاقاً می‌تواند راهی خوب برای یافتن یک هویت ملی جدید باشد و مسیری تازه برای مراقبت کردن و حمایت از تک‌تک آمریکایی‌ها. آمریکا هم ممکن است به یک «پارک موضوعی جهانی»^۱ تبدیل شود با میلیون‌ها چینی که سالانه در گرند کانیون، میدان تایمز و Capital Mall گشت می‌زنند.

بازهم می‌گوییم، اتفاق افتادن این سه مرحله اجتناب‌ناپذیر نیست، اما در صورت وقوع، احتمالاً با اختلالات عمده در سطح Individual-Industry^۲ همراه خواهد بود.

تاکنون، بیشتر تمرکز صنایع منفرد در ایالات متحده، بر تولید و افزایش مقیاس اقتصادی^۲ خود نسبت به مقیاس اقتصادی تولید چین بوده در حالی که در حوزه شبکه‌های زنجیره تأمین، رباتیک سازی تولید، کاهش هزینه‌های تولید و سرعت نوآوری، کمی برای اقدام دیر است و در بلندمدت، بسیاری از بخش‌های دیگر صنعت هم دارای مشکل بالقوه «اختلال چینی» خواهند بود. احتمالات زیر را در نظر بگیرید:

۱. پارک موضوعی محوطه‌ای بزرگ در یک فضای باز است که مردم برای لذت بردن از آن‌ها هزینه می‌کنند و آنجا می‌روند. تمام فعالیت‌های مختلف در یک پارک موضوعی معمولاً بر اساس یک ایده یا تفکر خاص شکل گرفته. والت دیزنی از جمله معروف‌ترین پارک موضوعی‌های جهان است.

۲. شرکت‌های منفرد به‌طور کلی بر اساس بزرگ‌ترین منابع درآمد خود در یک صنعت طبقه‌بندی می‌شوند. به‌عنوان مثال، در حالی که یک تولیدکننده خودرو ممکن است دارای یک بخش مالی جداگانه باشد که ۱۰٪ به درآمد کلی شرکت کمک می‌کند، اما بازهم این شرکت در اکثر سیستم‌های طبقه‌بندی، در صنعت خودروسازی طبقه‌بندی می‌شود.

۳. اگر بتوان تعداد بخش‌های تولیدی یک کالا را افزایش داد و تولید انبوه به راه انداخت، هزینه ورودی کاهش و سود نهایی حاصل از فروش افزایش می‌یابد، در این حالت گفته می‌شود که مقیاس اقتصادی، یا صرفه‌جویی ناشی از تولید انبوه حاصل شده است. این بدان معنی است که با رشد یک شرکت و افزایش واحدهای تولیدی، شانس بیشتری برای کاهش هزینه‌های شرکت وجود خواهد داشت.

بخش ہفتم

اختلال چینے



- در صنایع دفاعی

ایده سرمایه‌گذاری‌های عظیم امروز ایالات متحده در ناوهای هواپیمابر، هواپیماهای جنگنده، پایگاه‌های نظامی پراکنده جهانی و ارتباطات ماهواره‌ای ممکن است روزی در سیستم‌های نظامی قرن بیست و یکم با محوریت پهپادها و زیردریایی‌ها و روبات‌ها، آسیب‌پذیر و حتی منسوخ به نظر برسد. رقابت نظامی در قرن بیست و یکم حول محور هواپیماهای بدون سرنشین و زیردریایی‌ها، روبات‌ها، لیزرها، موشک‌های مافوق صوت، سلاح‌های ریل الکترومغناطیسی^۱، استفاده از فضا و انواع تهدیدات سایبری متمرکز خواهد بود.

- در انرژی و حمل‌ونقل

چین در حال حاضر در زمینه پانل‌های خورشیدی در جهان پیشرو است و در حال دستیابی به موقعیت رهبری جهان در حوزه باتری‌ها،

۱. سلاح الکترومغناطیسی (EMRG) سلاحی است که به‌جای باروت از برق برای شلیک استفاده می‌کند. این مسلسل‌ها از میدان‌های مغناطیسی ایجاد شده توسط جریان‌های قوی الکتریکی برای افزایش سرعت یک گلوله به ۶ ماخ، یا ۵۴۰۰ مایل در ساعت استفاده می‌کنند.

وسایل نقلیه الکتریکی، قطارهای سریع‌السیر، انرژی هسته‌ای و قابلیت‌های مربوط به شهرهای هوشمند است که همه این‌ها با تمایل بیش‌ازپیش و هرروزه کشورهای جهان به کربن‌زدایی و حفظ محیط‌زیست، به سراسر جهان صادر خواهد شد.

- در نظام بانکی

ایالات متحده عادت کرده است که دلار، ارز ذخیره جهانی باشد و SWIFT (سیستم ارتباطات مالی بین‌بانکی در سراسر جهان) سیستم اصلی ارتباطات مالی جهان شناخته شود. چین به دنبال ایجاد گزینه‌های جایگزین برای هر دوی این سیستم‌هاست و بسیاری از کشورهایی که کنترل آمریکا بر این سیستم‌های حیاتی و قدرتی که به ایالات متحده می‌دهند را دوست ندارند هم از آن‌ها پشتیبانی خواهند کرد. چین (مانند بسیاری از کشورهای جهان) در حال حاضر سیستم‌های پرداختِ مدرن‌تری نسبت به ایالات متحده دارد و یوان دیجیتال ممکن است روزی این رهبری را گسترش دهد.^۱ استفاده‌ی زورمدارانه اخیر دولت ترامپ از سلطه ایالات متحده بر سیستم مالی جهانی برای مجازات سایر کشورها، صرفاً این روند را تسریع می‌کند.

- در علوم زیستی

تا زمانی که COVID-۱۹ ظهور نکرده بود، اکثر مردم دنیا از تلاش‌های تهاجمی چین برای تبدیل شدن به بازیگر اصلی

۱. دولت چین در تاریخ ۱۴ اکتبر ۲۰۲۰ انتشار بسته‌های قرمز «یوان» دیجیتالی را به‌عنوان نخستین ارز دیجیتال برای توسعه زیرساخت‌های مالی این کشور آغاز کرد. این مقاله پیش از انتشار این ارز دیجیتال از رخدادهای این اتفاق ابراز نگرانی کرده است.

بیوتکنولوژی دنیا مطلع نشده بودند. بازیگری اصلی، هم به‌عنوان یک منبع تولید دارو برای جهان و هم به‌عنوان منبع اصلی تحقیق و توسعه در کلاس جهانی (R&D) متمرکز بر زیست‌شناسی مولکول‌های بزرگ.

عملکرد چین در خدمات دیجیتال، هوش مصنوعی، تجزیه و تحلیل و پیش‌بینی، ژنومیک و حوزه‌های بیوتکنولوژی یک مرتبط با آن و تکنولوژی پوشیدنی‌ها^۱ یک رقابت مهم برای ایالات متحده در طول دهه ۲۰۲۰ خواهد بود.

– در هوافضا

با توجه به مشکلات جدی پیش روی بوئینگ و همچنین هزینه قابل توجه دولت چین در COMAC (شرکت هواپیماسازی تجاری چین) هر دو شرکت بوئینگ و ایرباس در دهه ۲۰۲۰ با رقابت فزاینده‌ای از طرف چین روبرو خواهند شد که احتمالاً با فروش بسیار کمتر در بازارهای چین و کشورهای Belt and Roads آغاز خواهد شد.

– در بیمه

با وجود سابقه طولانی سیستم‌ها و روش‌های سنتی، شرکت‌های بیمه نسبتاً جدید چینی هزینه کمتری نسبت به هم‌تایان غربی خود بر مشتری تحمیل می‌کنند. با توجه به اینکه بسیاری از آسیا «بیمه

۱. فناوری پوشیدنی‌ها که به آن Wearables می‌گویند، دسته‌ای از وسایل الکترونیکی است که می‌توان آن را به‌عنوان لوازم جانبی پوشیدنی، در لباس جاسازی کرد، در بدن کاربر کاشت یا حتی روی پوست خال‌کوبی کرد. پذیرش سریع چنین دستگاه‌هایی توسط مردم، فناوری پوشیدنی را در خط مقدم اینترنت اشیا (IoT) قرار داده است. ساعت‌های هوشمند را به‌عنوان یک نمونه Wearables ها می‌توان معرفی کرد.

نشده» محسوب می‌شود، فرصت‌های عظیمی در بازار آسیا پیش روی چین است.

- در تحصیلات

اگرچه پیشتازی آمریکا در این زمینه هنوز در سطح دانشگاه‌ها قابل توجه است، اما چین امیدوار است که دانشگاه‌هایش به‌زودی در بسیاری از زمینه‌های STEM (علوم، فناوری، مهندسی و ریاضیات) قابل رقابت با آمریکا باشند. دانشجویان چینی همچنان در دانشگاه‌های آمریکا پذیرفته می‌شوند و روزهای اوج دانشگاه‌های آمریکا به تعداد قابل توجهی از دانشجویان چینی که برای ثبت‌نام در دانشگاه‌های آمریکایی ثبت‌نام می‌کنند بستگی دارد. چین همچنین در زمینه تدریس خصوصی مبتنی بر هوش مصنوعی در مقاطع دبیرستان و دوره کارشناسی پیشرفت‌های مهمی دارد.

- در فناوری اطلاعات (IT)

عیان است که چین هم به دنبال خوداتکایی و هم رهبری جهان در زمینه هوش مصنوعی، رباتیک، سیستم‌های خودمختار^۱، هواپیماهای بدون سرنشین، فناوری مخابراتی 5G، نیمه‌هادی‌ها، فناوری تشخیص چهره، کوانتوم و سایر عرصه‌های نوظهور است. از آنجا که این فناوری‌ها تقریباً همه بخش‌های صنعت را پشتیبانی می‌کنند، بدون شک این مهم‌ترین رقابت در بین دیگر رقابت‌ها

۱. سیستم خودمختار (AS) یک شبکه بزرگ یا گروهی از شبکه‌ها است که دارای یک سیاست مسیریابی واحد است. مثلاً هر رایانه یا دستگاهی که به اینترنت متصل شود به یک AS متصل است.

است. اگر چین در فناوری اطلاعات غلبه کند، فازهای ۳، ۴ و ۵ بسیار شدیدتر خواهند بود و اگر ایالات متحده به رهبری خود ادامه دهد، چالش چین بسیار کمتر از آنچه که نظریه پردازان انحطاط غرب پیش‌بینی کرده‌اند جدی خواهد بود. از آنجایی که تایوان بخش مهمی از صنعت تکنولوژی ایالات متحده است، آینده آن تأثیر مهمی بر این بحث خواهد گذاشت.

بخش هشتم

نبرد تایتان های دیجیتال



در اوایل این قرن، چین بدون شک مهم ترین تصمیم استراتژیک دیجیتال در تاریخ صنعت IT را اتخاذ کرد. این شرکت تصمیم گرفت اجازه ندهد که دات کام های گول پیکر ایالات متحده - به ویژه گوگل، فیس بوک و آمازون - با راه اندازی مارکت های عظیم اینترنتی، به همان روشی که بازار بسیاری از کشورهای دیگر را اشغال کرده اند، بر بازار چین هم مسلط شوند. چین طی این تصمیم، نقش شرکت های آمریکایی در چین را بسیار محدود یا آن ها را اساساً ممنوع کرد و برای شرکت های خود، به ویژه بایدو، علی بابا و Tencent (که اغلب BAT نامیده می شوند) در راستای ایجاد بستر ارائه خدمات مشابه، یا عموماً در ابتدا کپی خدمات شرکت های ایالات متحده، وقت بخرد. هم زمان با این تصمیم بسیاری از افراد در ایالات متحده استدلال می کردند که این نوع حمایت گرایسی ناعادلانه است، یا حتی طبق قوانین سازمان تجارت جهانی غیرقانونی است، اما بدون تردید استراتژی «ابتدا چین»^۲ بسیار موفق بوده و مستقیماً منجر به

۱. این تیتراژ عنوان یک فیلم سینمایی بنام نبرد تایتان ها گرفته شده که یک اثر فانتزی اکشن استرالیایی-آمریکایی است که بازسازی فیلمی به همین نام محصول سال ۱۹۸۱ می باشد. داستان این فیلم بر اساس افسانه یونانی پرژئوس بنا شده است. اگر کسی را تایتان یک رشته خاص توصیف کنند، منظورشان این است که آن فرد در آن زمینه بسیار مهم و قدرتمند یا موفق است. مثلاً: دو ثروتمندترین تایتان تجاری کشور.
 ۲. رویای چینی یا استراتژی «ابتدا چین» که رئیس جمهور شی جین پینگ از آن سخن می گوید در مورد جوان سازی فرهنگ چینی و تاریخ کنفوسیوسی آن است، گویی که این استراتژی پکن باهدف بازگرداندن شکوه پادشاهی میانه چین است. این رویکرد ملی گرایانه بسیار شبیه به سخنان رئیس جمهور دونالد ترامپ درباره «America First» است که برای احیای افسانه «استثنا گرایسی آمریکایی» بیان شده است.

جهش صنایع بسیار متنوع و پویای تلفن همراه و خدمات اینترنتی چین شده است. احتمالاً بسیاری از ملت‌های دیگر آرزو می‌کنند کاش مدت‌ها قبل، روندی مشابه را دنبال کرده بودند.

مدت‌هاست که چین به دنبال خودکفایی در حوزه نیمه‌هادی‌ها، نرم‌افزارها، تجهیزات مخابراتی، کامپیوترهای Mainframe و ساخت حافظه‌های ذخیره‌سازی و دیتابیس است و طی پنج سال گذشته پیشرفت‌های زیادی هم در جهت رسیدن به این هدف داشته است. ابتکار عمل موسوم به De-IOE¹ تلاش کرده است تا هم وابستگی چین به IBM، Oracle و EMC را در محیط‌های بزرگ تجاری و دولتی کاهش دهد و به هم پیشبرد تجارت ابری Alibaba کمک کرده است. از طرف دیگر حواشی مربوط به هوآوی، شرکت‌های چینی ZTE، فوجیان جینهوا و SMIC (شرکت بین‌المللی ساخت نیمه‌هادی‌ها) را بیشتر متقاعد کرده است که اتکا به خود بهترین مسیر برای حاکمیت اقتصادی و رهبری نهایی بازار جهانی است.

«مدت‌هاست که چین به دنبال خودکفایی در حوزه نیمه‌هادی‌ها، نرم‌افزارها، تجهیزات مخابراتی، کامپیوترهای Mainframe و ساخت حافظه‌های ذخیره‌سازی و دیتابیس است و طی پنج سال گذشته پیشرفت‌های زیادی هم در جهت رسیدن به این هدف داشته است.»

۱. این استراتژی، برنامه‌ای باهدف کاهش وابستگی به نرم‌افزارها و شرکت‌های عظیم خدماتی ایالات متحده است که برای ایجاد امکان استفاده از گزینه‌های جایگزین چینی برای بخش‌های تجاری و دولتی تلاش می‌کند. کمیته De-IOE تلاش چین برای کاهش وابستگی به نرم‌افزارها و شرکت‌های خدماتی ایالات متحده، به‌ویژه IBM، Oracle و EMC است و شرکت‌های دولتی را برای استفاده از نرم‌افزارهای جایگزین و شرکت‌های خدماتی چینی تشویق می‌کند.

ایالات متحده اما کاملاً در جهت مخالف حرکت می‌کند. آمریکا در اکثر از بازارهای مربوط به حوزه فناوری اطلاعات همیشه پیشرو در بازار جهانی بوده است، اما با افزایش وابستگی به تأمین‌کنندگان چینی و تأمین‌کنندگان تایوانی مثل TSMC در حال حاضر نگران خودکفایی خویش است. اگر فکر می‌کنید ایالات متحده امروز بیش از حد به تولید فناوری چینی وابسته است، تصور کنید که اگر چین کنترل تایوان را هم به دست بگیرد چه خواهد شد.

از طرفی، باید دید آیا تلاش‌های ایالات متحده برای خودکفایی به اندازه تلاش‌های چین موفقیت‌آمیز خواهد بود یا نه و از طرفی هم مشخص نیست که آیا چین می‌تواند نقش رهبری خود را خارج از چین و برای بازارهای جهانی حوزه تکنولوژی تثبیت کند و حوزه‌های نفوذ مختص به خود داشته باشد یا خیر. نکته اصلی در این میان این است که هم چین و هم ایالات متحده اکنون اهداف بسیار مشابهی در حوزه IT دارند. هر دو آن‌ها می‌خواهند رهبر جهانی فن‌آوری‌های پیشرفته باشند، هر دو می‌خواهند از نظر استراتژیک خودکفا باشند و هر دو می‌خواهند از اینترنت و فن‌آوری‌های مربوطه به روش‌های بسیار متفاوت خود استفاده و آن را اداره کنند. مسلماً تنها راهی که هر دو می‌توانند به خواسته خود برسند این است که اقتصاد و وابستگی این دو کشور تا حد ممکن از هم مستقل شود. در این میان، آینده تایوان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود، علاوه بر

سرنوشت تایوان، تکامل فن‌آوری‌های منبع باز^۱ و جهت‌گیری آینده ایالات متحده در چگونگی به‌کارگیری سیاست‌های ضدانحصاری^۲ که می‌تواند بسته به میزان تهاجمی بودن شکل‌های جدید خود، رهبری ایالات متحده را تهدید کند هم از متغیرهای مهم محسوب می‌شوند.

با توجه به این نکات، رقابت چین/آمریکا در عرصه فناوری‌های پیشرفته می‌تواند بزرگ‌ترین نبرد اقتصادی در تاریخ تجارت بین‌الملل باشد، به همین دلیل گزارش سال ۲۰۱۵ «نبرد تایتان‌ها» نامیده شد. وقتی Google، Amazon، Facebook، Apple، Intel، HP، Microsoft، IBM، Oracle، Dell EMC و Cisco در یک‌طرف صف بسته‌اند و Alibaba، Tencent، هواوی، Sina و Xiaomi، Baidu، JD، DJI، Lenovo، SMIC در سوی دیگر، به نظر می‌رسد یک مبارزه کاملاً منصفانه در جریان باشد، بخصوص اگر یک زمین بازی مساوی هم وجود داشته باشد که البته در حال حاضر وجود ندارد. سؤال پیش رو این است که کدام‌یک از طرف‌های درگیری در آینده از نظر فناوری‌های اساسی و همچنین نرم‌افزارهای کلیدی و سیستم‌عامل‌های اینترنتی بهتر عمل خواهند کرد؟ ما می‌دانیم که چین می‌خواهد چه کاری انجام دهد و می‌دانیم برای غرب هیچ پاسخ کوتاه‌مدت ساده‌ای وجود ندارد. آنچه ما نمی‌دانیم این است که غرب در طولانی‌مدت، در بخش صنایع دولتی و خصوصی در چه مدتی می‌تواند پاسخ مناسبی آماده کند. بیا بید اکنون به آن پردازیم.

۱. فناوری منبع باز به این معنی است که کد برنامه‌نویسی و منبع آن فناوری یا نرم‌افزار برای استفاده، اصلاح و توزیع مجدد به‌طور آزادانه در دسترس همگان قرار دارد.

۲. قوانین ضد انحصاری که تحت عنوان قوانین رقابت هم شناخته می‌شوند، اساسنامه‌هایی هستند که توسط دولت ایالات متحده برای محافظت از مصرف‌کنندگان در برابر اقدامات تجاری غارت‌گرانه تهیه شده است. این دستورالعمل‌ها اطمینان می‌یابند که رقابت عادلانه در اقتصاد بازار آزاد وجود دارد و رشد اقتصاد را تضمین می‌کند. این قوانین از این نظر مضر هستند که با جلوگیری از به دست آوردن ۹۰٪ از انحصار بازار، می‌تواند مصرف‌کنندگان را از قیمت‌های پایین‌تر و محصولات برتر محروم کند. به عبارت دیگر، این قوانین ضد اعتماد، فرض می‌کنند که داشتن سهم زیاد از بازار بالمره مضر است، اما نحوه شکل‌گیری این انحصارات را که می‌تواند به خاطر کیفیت بالا و قیمت مناسب باشد کاملاً نادیده می‌گیرد.

بخش نهم

مدل چهاربخشے و طولانی مدت احيای مجدد
قدرت آمريکا / غرب



در حالی که طرفداران نظریه انحطاط بر نقاط ضعف بی‌شمار آمریکا و تنش‌های سیاسی و فرهنگی کنونی‌اش که او را از در پیش گرفتن اقدامات لازم بازمی‌دارد تمرکز می‌کنند، اما ایالات متحده هنوز از مزایای رقابتی عظیمی در سطح جهانی برخوردار است. مثلاً علی‌رغم نظر طرفداران نظریه انحطاط، این کشور دانشگاه دارای بسیاری از دانشگاه‌های طراز اول جهان است، حتی با وجودی که بودجه دولتی دانشگاه‌ها همچنان رو به کاهش است. ایالات متحده اگر بخواهد، می‌تواند تقریباً از هر کشوری که بخواهد استعدادهایی را جذب کند که چین نمی‌تواند. این قدرت قابل توجه می‌تواند پیشرو بودن ایالات متحده را در بسیاری از صنایع مهم مانند IT، نرم‌افزار، علوم طبیعی، تجهیزات پزشکی، کشاورزی، خدمات مالی، خدمات حرفه‌ای^۱، رسانه/سرگرمی، هوافضا و دفاع را حفظ کند. این کشور دارای سرزمینی وسیع و پر از منابع طبیعی و جمعیتی متشکل از مردمانی از هر گوشه جهان است که بسیاری از آن‌ها کارآفرین هستند. زبان انگلیسی برای

۱. خدمات حرفه‌ای مشاغل در بخش خدمات هستند که نیاز به آموزش ویژه در بعضی هنرها یا علوم دارند. برخی از خدمات حرفه‌ای نیاز به داشتن مدرک، مجوزهای حرفه‌ای و مهارت‌های تخصصی دارند؛ مثلاً معماری، حسابداری، مهندسی معماری، پزشکی، وکالت و معلمی.

سالیان متمادی به‌عنوان روش اصلی ارتباط جهانی در جهان باقی خواهد ماند و البته، چین دارای نقاط ضعف شناخته‌شده خاص خود است، به‌ویژه جمعیت در حال پیریِ سریع خود و بیگانگی فزاینده بسیاری از ملت‌ها با چین که معلول «دیپلماسی گرگ جنگجوی»^۱ آن است.

بعلاوه، ایالات‌متحده تنها کشوری در دنیا نیست که نگران افزایش نفوذ چین است. فقط در چند ماه گذشته هند، استرالیا، انگلستان، اتحادیه اروپا و فیلیپین و سایر کشورها، به‌شدت به اقدامات مختلف چین اعتراض کرده‌اند، لذا اگر ایالات‌متحده یک استراتژی مؤثر «مواجهه با چین» ارائه کند، لاقلاً چند کشورِ بزرگِ دیگر ممکن است به آن بپیوندند.

اما چگونه می‌توان همه این نقاط قوت و مزایا را به بهترین شکل ممکن مورد استفاده قرار داد؟



شکل ۵: استراتژی‌های بلندمدت را باید جدی گرفت

۱. دیپلماسی گرگ جنگجو یک سبک تهاجمی در دیپلماسی را توصیف می‌کند که گفته می‌شود دیپلمات‌های چینی در قرن بیستم و یکم در پیش گرفته‌اند. این اصطلاح از یک فیلم اکشن چینی به سبک رمبو، یعنی Wolf Warrior گرفته شده است. برخلاف رویه قبلی دیپلماتیک چین که بر پرهیز از مجادله و تأکید بر گفتگو و استفاده از ادبیاتِ دوستانه تمرکز کرده بود، این سیاست تهاجمی‌تر بوده و با منتقدین خود برخورد جدی‌تری می‌کند.

با توجه به سناریوی انحطاطی که معرفی کردیم و همان طور که در شکل ۵ خلاصه شده است، مدل چهاربخشی ما می‌تواند به ارائه مجموعه‌ای از تغییرات مثبت بیانجامد که دستِ غرب را در این بازی بالا برده و از «عصبانیتِ» امروزِ ایالات‌متحده، یک نقشه راه عملی بیرون بکشد.

مدل چهاربخشی مدنظر ما شامل ۴ دسته از سیاست‌های کلی است؛ شامل:

- سیاست‌هایی برای تعادل مجدد زنجیره‌های تأمین
- سیاست‌هایی در راستای تعیین بزرگ‌ترین بازار جهان
- سیاست‌های مربوط به احیای توان رقابت غرب
- سیاست‌هایی برای باقی ماندن غرب
- بعنوان مدل محبوب تقلید اجتماعی

بخش دهم

پنج مرحله برای تعادل مجدد
زنجیره‌های تامین



پنج مرحله برای تعادل مجدد زنجیره‌های تامین

۱. نیاز به شفافیت عملیاتی

الزام شرکت‌های آمریکایی و غربی برای انتشار اطلاعات خود در زمینه میزان فعالیت خود در چین از نظر درآمد، ارزش کالاهای وارداتی، وضعیت انتقال فناوری، وابستگی‌های مهم، سرمایه‌گذاری‌ها، مشارکت‌ها و اطلاعات مشابه، شفافیت و داده‌های قابل اندازه‌گیری را فراهم می‌کند، بنابراین تغییرات آن متغیرها با گذشت زمان قابل اندازه‌گیری خواهد بود. (چنین گزارشی مشابه تلاش‌های امروز برای جلب موافقت شرکت‌ها برای تولید اطلاعات دقیق‌تر انتشار کربن است.) شفافیت تنها راه درک واقعی علت و معلول‌های کسری تجاری امروز است. رخدادهای این مرحله، کم‌هزینه ولی بسیار باارزش است.

۲. تشویق مالی و مالیاتی برای کاهش وابستگی‌ها

بسیاری از شرکت‌ها در حال متنوع‌سازی تولیدات خود هستند تا وابستگی کمتری به چین داشته باشند، اما مشوق‌های مالی مستقیم،

به‌عنوان کمک‌های مالیاتی یا تخفیف‌های مالیاتی، می‌توانند روند مبارزه با وابستگی را تسریع کنند، همان‌طور که اکنون در ژاپن این اتفاق رخ می‌دهد و این روند آغاز شده است. در مورد ایالات‌متحده، اعمال برخی از سیاست‌ها فقط به آمریکا برمی‌گردد، اما کشورهایی مانند ویتنام، مکزیک و هند نیز از آن‌ها سود خواهند برد که این نهایتاً باعث تضعیف چین می‌شود. اگرچه برای اعمال چنین سیاست‌هایی هزینه‌های ناچیزی هم باید پرداخت اما اثرات آن‌ها ملموس و جدی خواهند بود و این می‌تواند نشانه‌ای از شروع تغییرات واقعی صحنه رقابت باشد، به‌ویژه اگر با الزامات قبلی گزارش ترکیب شده باشد. یک مورد از اعمال این سیاست‌ها، قانون پیشنهادی حمایت از صنعت نیمه‌هادی ایالات‌متحده است که شامل مشوق‌هایی برای شرکت‌ها برای ایجاد کارخانه در خاک ایالات‌متحده است.^۱

۳. استفاده از اهرم مصرف‌کنندگان

اگر برچسب‌های «ساخت چین» یا «ساخته شده در سین کیانگ، چین» (یا برچسب ساخت هر جای دیگر) برجسته‌تر باشند، مصرف‌کنندگان می‌توانند با آگاهی بیشتری که در مورد اهمیت این مسائل به وجود خواهد آمد، از بین آن‌ها انتخاب کنند. به همین ترتیب، می‌توان از برچسب‌هایی مانند آن‌هایی که امروزه برای «تجارت عادلانه» یا «سازگار با محیط‌زیست» استفاده می‌شود، برای فشار برچین به طرق مختلف استفاده کرد. این روش هزینه‌ی

1. Stephen Ezell, "New Legislation Required to Secure U.S. Semiconductor Leadership" (ITIF, June 2020), <https://itif.org/publications/30/06/2020/new-legislation-required-secure-us-semiconductor-leadership>.

کم و پتانسیل بالایی دارد. این روش علاوه بر سیاستمداران و اهالی تجارت، مصرف‌کنندگان را هم وارد بازی می‌کند و آن‌ها را به کنشگران فعال رقابت با چین تبدیل می‌کند، عاملی که با جهانی شدن برندهای چینی مانند هواوی، Xiaomi، Haier و تیک‌تاک از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد شد. دولت چین از مدت‌ها قبل و به‌طور معمول از نفوذ خود برای شکل دادن به احساسات مصرف‌کنندگان چینی در مورد برندهای خاص آمریکایی استفاده می‌کند.

۴. تمرکز بر افزایش تولید داخلی در حوزه‌های کلیدی

مجدداً، بعضی شرکت‌های آمریکایی در حال حرکت به این سمت هستند، اما ایجاد یک تلاش ملی برای اطمینان از مهارت‌ها، ظرفیت‌ها و منابع برای تأمین نیازهای ضروری جامعه، گامی مهم در جهت کاهش وابستگی‌های کشور به چین خواهد بود. اگرچه ممکن است پروژه‌های مربوط به خودکفایی پیچیده و پرهزینه باشند، اما همچنان که وجود COVID-۱۹ عادت می‌کنیم باید همین امروز به برخی اقدامات لازم بپردازیم؛ مثلاً وام اخیراً ۷۵۰ میلیون دلاری دولت ایالات متحده به Kodak برای ساخت داروهای بیشتر در آمریکا نمونه خوبی است، خواه از طریق روند صحیح به شرکت مناسب اعطا شود یا نه. مواد معدنی کمیاب - یا گزینه‌های دیگر از این دست - حوزه مهم دیگری است.

مشوق‌های مالیاتی اثرگذار برای توسعه سرمایه‌گذاری در بخش

تحقیق و توسعه (R&B)، افزایش مهارت و تکنیک تولیدکنندگان و افزایش سطح کیفی کالاهای سرمایه‌ای^۱ نیز در همین راستا نقش مهمی ایفا می‌کنند.^۲

این خودکفایی الزاماً نیازی به آمریکایی بودن ندارد و در بسیاری از موارد اگر آمریکایی نباشد بهتر هم است؛ نکته مهم این است که کنترل‌کننده منابع معدنی باید متحد ما باشد؛ همان‌طور که در حال حاضر در اطراف بسیاری از مواد نفتی و گازی متحدین ما بر تولید و بازار تسلط دارند.

۵. استفاده محتاطانه و هدفمند از تعرفه‌های هدفمند و دستورالعمل استفاده از ظرفیت داخلی^۳

این نوع مداخلات مستقیم در صورت اجرای دقیق می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند؛ اما هردوی آن‌ها به راحتی می‌توانند منجر به جدال شوند چراکه این سیاست اغلب در ایالات متحده ظرفیت پذیرش عمومی ندارد. از طرف دیگر، بحث‌های زیادی در مورد تأثیر تعرفه‌های فعلی چین وجود به وجود آمده است، این آزارهای تعرفه‌ای اگر هیچ سودی نداشته باشند، اما باعث شروع برخی از جداسازی‌های اقتصادی اولیه شده و تجارت با چین را از نقشه تجاری و اقتصادی برداشته و بر روی نقشه سیاسی قرار داده است.

۱. کالای سرمایه‌ای، کالایی بادوام است که در تولید کالا یا خدمات مورداستفاده قرار می‌گیرد. مجموعه این کالا شامل مواردی مانند ساختمان‌ها، ماشین‌آلات و ابزارها است. کالای سرمایه‌ای یکی از سه نوع کالای تولیدی است؛ دو نوع دیگر آن زمین و نیروی کار است.

2. Robert Atkinson, "Moving the Chains," American Compass, June 2020, 8, <https://americancompass.org/essays/on-tax-incentives/>

۳. دستورالعمل‌های استفاده از ظرفیت داخلی (DCR) توسعه‌دهندگان انرژی‌های تجدیدپذیر را مجبور می‌کند سهم مشخصی از تجهیزات موردنیاز خود را از تأمین‌کنندگان محلی تهیه کنند. یک هدف اصلی از سیاست ظرفیت داخلی این است که اطمینان حاصل کند که سیاست‌های دولت در انرژی‌های تجدیدپذیر، منافع اقتصادی ملموسی را برای فعالین این حوزه ایجاد می‌کند و به عبارتی این سیاست، سود فعالیت تولیدی را برای تولیدکنندگان داخلی تضمین می‌کند.

تعرفه کالاهای واسطه‌ای^۱ - به‌عنوان مثال نیمه‌هادی‌ها- در مقابل کالاهای نهایی، می‌تواند با افزایش هزینه‌های ورودی، قابلیت کلی ایالات متحده را در رقابت کاهش دهد.^۲ از طرفی مقررات «آمریکایی بخر»، در مقابل مقررات «از متحدان خرید کن» که سابقاً وجود داشت، می‌تواند منجر به اقدامات متقابل سایر کشورها در برابر کالای آمریکایی شود.

کالاهای واسطه‌ای، کالاهایی مانند کالاهای نیمه‌تمام هستند که به‌عنوان ورودی موردنیاز در تولید کالاهای دیگر از جمله کالاهای نهایی استفاده می‌شوند. یک شرکت ممکن است کالاهای واسطه‌ای را تولید کند و سپس خودش از آن‌ها استفاده کند، یا تولید کند و سپس آن‌ها را بفروشد، یا خریداری کند و سپس از آن‌ها استفاده کند. کالای نهایی یا کالای مصرفی هم کالایی است که مصرف‌کننده برای تأمین خواسته‌ها یا نیازهای فعلی استفاده می‌کند. اجزای ماکروویو یا دوچرخه کالای نهایی هستند، درحالی‌که قطعات خریداری شده برای تولید آن‌ها، کالاهای واسطه‌ای بوده‌اند.

1. Robert D. Atkinson, and Stephen Ezell, "A -10Point User Guide to the Trump Tariff Wars" (ITIF, July 2018), <https://itif.org/publications/-10/05/07/2018point-user-guide-trump-tariff-wars>.

بخش یازدهم

پیچ راه برای جلوگیری از تبدیل شدن
چین به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان



۱. بازار را گسترش دهید

اگرچه چین سرانجام به بزرگ‌ترین اقتصاد جهان تبدیل خواهد شد، اما باز هم تنها حدود ۱۵ درصد از تولید ناخالص جهان را در اختیار خواهد داشت، اما اگر بخش‌های بزرگ اقتصاد جهان از نظر اقتصادی بسیار باهم ادغام شده باشند، سهم چین در GDP جهانی خیلی بیشتر از این‌ها خواهد بود. این به آن معنی است که در بیشتر کشورهای غیر چینی باید از ملی‌گرایی و حمایت‌گرایی افراطی خودداری شود.

گرچه روندهای فعلی در این حوزه مطلوب نیستند، اما اگر همه کشورها به سمت دستیابی به سطح بالایی از خودکفایی و حمایت از شرکت‌های قهرمان ملی^۱ پیش روند، کارآمدی اقتصاد جهان کمتر خواهد شد و کشورها از رفاه کمتری برخوردار خواهند بود؛ و چین به دلیل اندازه و برتری در صرفه‌جویی مقیاس^۲ تولید^۲ اقتصادش، باز هم قابلیت رقابتی‌اش افزایش خواهد یافت.

۱. قهرمانان ملی، اصطلاحاً شرکت‌هایی هستند که از نظر فنی، مشاغل خصوصی هستند اما به دلیل سیاست‌های دولت جایگاه مسلطی در اقتصاد ملی را از آن خود می‌کنند. در این سیستم، از این سازمان‌های بزرگ انتظار می‌رود که علاوه بر اینکه به دنبال سود باشند «منافع ملت را هم پیش ببرند». در این راستا، دولت سیاست‌هایی را تنظیم می‌کند که به نفع این سازمان‌ها باشد.

۲. صرفه‌جویی در مقیاس تولید، مزایایی است که وقتی که یک شرکت مقیاس تولید خود را افزایش داده، از کارایی بیشتری برخوردار می‌شود و در نتیجه هزینه‌ی هر واحد تولیدش کاهش می‌یابد اتفاق می‌افتد. این بدان دلیل است که هزینه تولید (شامل هزینه‌های ثابت و متغیر) در واحدهای بیشتری از تولید تقسیم می‌شوند.

در این راستا، ایجاد نوعی یکپارچگی عمیق تجاری در قاره آمریکا (از آلاسکا تا تیرا دل فوگو) و امضای یک توافق‌نامه تجارت آزاد بین ایالات متحده و هند بسیار سودآور می‌شود؛ همچنین اگر اروپایی‌ها اراده سیاسی‌اش را پیدا کنند، یک توافق‌نامه تجارت آزاد بین ایالات متحده و اتحادیه اروپا هم بسیار سودآور خواهد بود.

۲. از اهرم زبان انگلیسی استفاده کنید

روی هم رفته، ملل انگلیسی‌زبان، به‌ویژه با مدرن شدن هند، تولید ناخالص داخلی بیشتری نسبت به چین به خود اختصاص خواهند داد. (اگر زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم هم به تعدادی از کشورهای تولیدکننده نفوذ کند و در آن گنجانده شود، قدرت کشورهای انگلیسی‌زبان بسیار بیشتر از هر کاری خواهد بود که چین بتواند انجام دهد). با نگاه به آینده، اگر نگوییم غیرممکن است، یقیناً شانس کمی برای چینی‌ها برای رقابت یا جایگزینی نقش جهانی زبان انگلیسی لاقبل برای چندین دهه وجود دارد. این مسئله فرصت‌های عمده‌ای را در رسانه‌ها، سرگرمی‌ها، نرم‌افزارها، حقوق، آموزش و سایر زمینه‌های مرتبط با زبان ایجاد می‌کند، به‌ویژه اگر متفکرین سیاست خارجی ایالات متحده و وزارت امور خارجه برای ایجاد این قدرت بیشتر تلاش کنند.

۳. استفاده از فن آوری پیشرفته

برای «بهترین» بودن، الزاماً نیازی نیست که «بزرگ‌ترین» باشید؛ پیشرو بودن در حوزه فناوری‌های پیشرفته، راهی عالی برای استقلال است. اگر اقتصادهای غربی در استفاده از فناوری‌های پیشرفته در صنایع مربوط به خود پیش‌قدم باشند، گسترش موفقیت‌های چین به سطحی فراتر از «تعداد تولیدات» دشوار خواهد بود. باین‌حال، از آنجا که شرکت‌های چینی سرمایه‌گذاری زیادی در زمینه هوش مصنوعی و اتوماسیون انجام می‌دهند و مورد حمایت دولت چین با تعرفه‌های مالیاتی بسیار سخاوتمندانه قرار دارند، کشورهای غربی نیز باید همین کار را انجام دهند؛ یعنی در زمینه اصلاح سیاست‌های مالیاتی به نفع تولید، برنامه‌ریزی مالیاتی^۱ و نظارتی و سیاست‌های تنظیم مقررات^۲ و چین سرمایه‌گذاری‌هایی فعال شوند. هم‌اکنون، در اکثر کشورهای غربی چنین اتفاقاتی نمی‌افتد.

۴. بازگشت به سنت معامله به‌مثل^۳

دشواری ایجاد فن آوری و معامله به‌مثل آن در بازار مدت‌هاست که به اثبات رسیده است زیرا از طرفی چین فناوری زیادی برای به اشتراک گذاشتن نداشته است و از طرف دیگر تعداد کمی از شرکت‌های چینی بوده‌اند که از این طریق به دنبال دسترسی به بازار جهانی بوده‌اند. اگر چین بخواهد اهداف خود را برآورده کند، هر دو عامل باید تغییر کنند و همان‌طور که روند این تغییر جریان

۱. برنامه‌ریزی مالیاتی تجزیه و تحلیل وضعیت مالی از منظر مالیات است. هدف از برنامه‌ریزی مالیاتی اطمینان از کارایی مالیات‌های مقرر شده است.

۲. سیاست تنظیم مقررات توسط دولت‌ها برای اعمال کنترل و محدودیت در برخی فعالیت‌ها یا رفتارهای خاص تدوین شده است. این مقررات فقط در مورد قوانین حکمرانی نیست، بلکه درباره مفاهیم حکمرانی هم هست. نگرانی‌هایی که در مورد این مقررات وجود دارد گاهی اوقات متناقض هستند.

۳. معامله به‌مثل اینجا به معنی مبادله هر چیزی با دیگران برای منافع متقابل، به‌ویژه امتیازات اعطاشده توسط یک کشور یا سازمان به یک کشور دیگر است.

دارد، اصرار بر معامله به مثل آسان تر و مفیدتر می شود، به خصوص اگر ایالات متحده، اروپا، ژاپن و سایر کشورها بر روی قوانین اساسی معامله به مثل توافق کرده و بر آن‌ها اصرار کنند.

۵. به طور جمعی صحبت کنید

مسئله موفقیت در بازار داخلی چین مؤثرترین راه حل است؛ اما برای آینده قابل پیش بینی، این بدان معناست که باید طبق بسیاری از قوانین چینی عمل کنیم که اغلبشان خوشایند نیستند، اما در شرایطی که شرکت‌های غربی باید در مورد مسائل عدالت اجتماعی در کشورهای خودشان صحبت کنند، سکوت در برابر چین ممکن است آن قدرها هم غیر قابل دفاع نباشد. اگرچه هیچ پاسخ ساده‌ای به مسئله وجود نداشتن عدالت تجاری در چین وجود ندارد، اما به جای سکوت، فعالین اقتصادی می‌توانند سعی کنند در چارچوب گروه‌هایی مانند میزگرد تجارت، انجمن صنایع نیمه‌هادی (SIA) و سازمان‌های مشابه، به صورت جمعی صحبت کنند و موضع بگیرند. اگر به گذشته نگاه کنیم، SIA نقش بسیار قابل توجهی در مواجهه ایالات متحده با ژاپن داشته است، هم از نظر حمایت و هم از نظر توانایی جمع‌آوری و انتشار اطلاعات. اقدامات مشترک اخیر گوگل، مایکروسافت، فیس‌بوک، توییتر و دیگران در برابر هنگ‌کنگ، ممکن است گامی کوچک در همین راستا تعریف شود.¹

علاوه بر این، همه کشورها باید قوانین ضد انحصاری خود را تغییر

1. Kurt Wagner, "Google, Facebook, Microsoft Pause Hong Kong Data Requests," Bloomberg, July 2020, 7, <https://www.bloomberg.com/news/articles/06-07-2020/facebook-is-pausing-hong-kong-government-requests-for-data>.

دهند تا به شرکت‌های غربی اجازه دهند که همکاری مؤثرتری علیه چین داشته باشند و در همان زمان، همه ملت‌ها باید به‌طور رسمی برای مقاومت در برابر تهدیدات اقتصادی و ارباب چین با یکدیگر همکاری کنند.^۱

نهایتاً، رهبران سیاسی و طبقه نخبه باید محکوم کردن شرکت‌ها را به خاطر تجارت در چین و توافق برای پیروی از قوانین چین متوقف کنند. این محکومیت‌ها از طرفی فعالین حقوق بشر را ناامید می‌کند و از طرفی یک شوی جذاب برای مردم ایجاد می‌کند، اما عملاً هیچ تأثیری در رفتار چین ندارند و رقابت ایالات متحده را در برابر چین محدود می‌کنند.

1. Robert D. Atkinson and Clyde Prestowitz, "China's Reaction to the Pandemic Shows Why the U.S. and Its Allies Need a NATO for Trade" (ITIF, May 2020), <https://itif.org/publications/21/05/2020/chinas-reaction-pandemic-shows-why-us-and-its-allies-need-nato-trade>

بخش دوازدهم

پنج راه برای افزایش توان رقابت غرب



بخش دوازدهم

بج راه برای افزایش توان رقابت غرب

۱. در اولویت قرار دادن رهبری حوزه تکنولوژی

ایالات متحده ممکن است به یک سازمان رسمی مانند SEMATECH نیاز داشته یا نداشته باشد، اما وجود چنین سازمانی به طور سیستماتیک به ما اطمینان می‌دهد که شرکت‌های آمریکایی، دانشگاه‌ها، سازمان‌های دولتی و شرکت‌های دفاعی، تحقیق و توسعه لازم را در زمینه مهمی مثل هوش مصنوعی، رباتیک، فضا، بیوتکنولوژی، مواد جدید، امنیت سایبری، حوزه‌ی عناصر نیمه‌هادی و دیگران انجام می‌دهند و توسعه تکنولوژیک همچنان یک اولویت اصلی است.^۱ اگرچه ایجاد چنین مدلی از هماهنگی، ماهیتی پیچیده و مسیری ذاتاً طولانی مدت دارد، اما از اهمیت نمادین و حقیقی بالایی برخوردار است و در سابقه‌اش موفقیت‌های بسیاری می‌توان یافت. ایالات متحده قبلاً و در واقع همین اخیراً در این راستا با «شبکه ساخت ایالات متحده آمریکا»^۲ گام‌های خوبی برداشته است.

Stephen Ezell, "New Legislation Required to Secure U.S. Semiconductor Leadership" (ITIF, June 2020), <https://itif.org/publications/30/06/2020/new-legislation-required-secure-us-semiconductor-leadership>.

۲. شبکه ملی نوآوری در تولید (NNMI) که همچنین به‌عنوان Manufacturing USA هم شناخته می‌شود، شبکه‌ای از مؤسسات تحقیقاتی در ایالات متحده است که بر توسعه فن‌آوری‌های تولید از طریق مشارکت‌های دولتی و خصوصی بین صنایع، دانشگاه‌ها و سازمان‌های دولتی فدرال در ایالات متحده تمرکز دارد.

۲. جذب استعداد‌های کلاس جهانی

جذب و حفظ بهترین و درخشان‌ترین استعدادها از سراسر جهان برای دانشگاه‌ها، شرکت‌ها و تجدید و احیای روحیه کارآفرینی آمریکایی حیاتی است. سیستم آموزشی ایالات متحده به ۲ دلیل نمی‌تواند به‌تنهایی استعداد‌های STEM کافی تولید کند؛ اول به دلیل نبود یک برنامه داخلی جدی برای پرورش استعداد‌های STEM^۱ داخلی و دیگری به خاطر آن که دانشگاه‌های برجسته ایالات متحده به دلایل مالی پذیرش دانشجویان خارجی را در اولویت قرار می‌دهند.

اگرچه در سال‌های اخیر میزان جذابیت تحصیل در ایالات متحده تا حدودی کاهش یافته است، اما این الگو قطعاً باید دگرگون شده و ایالات متحده مجدداً به قطب جذب استعداد‌های جهانی تبدیل شود. در این میان احتمالاً سخت‌ترین پرسش این است که دانشجویان و دانش‌آموزان چینی باید تا چه اندازه و با چه شرایطی در این ترکیب گنجانده شوند.

اطمینان از ایجاد دوباره‌ی مسیر استعداد‌های STEM اگرچه کم‌هزینه است، اما همیشه بازدهی بسیار بالایی از خود نشان داده است.

۳. شراکت با هند

اتحاد نزدیک با هند هم استعدادها و هم بازار بزرگ موردنیاز ما را فراهم می‌کند تا در طولانی‌مدت با چین مطابقت کامل پیدا کنیم یا حتی از آن فراتر رویم. تقریباً هیچ رابطه‌ای برای ایالات متحده

1. S: Science. T: Technology. E: Engineering. M: Mathematics

مهم‌تر از رابطه او با هند وجود ندارد. مزیت دیگر اتحاد با هند این است که بسیاری از شرکت‌های آمریکایی ممکن است زمین تولید خود را از چین به هند منتقل کنند. ایجاد این اتحاد هزینه نسبتاً کمی دارد، اما مستلزم ظرافت سیاسی و تعهد است. تاکنون، بیشتر از عمل، فقط راجع به این گزاره سخن گفته شده است. در این میان، خطر بزرگ‌تر این است که اگر هند از غرب دور شود ممکن است به چین -بیش از امروز- نزدیک شود. ترکیب مهارت‌های نرم‌افزاری و خدماتی هند و رهبری سخت‌افزاری چین، می‌تواند رقابتی بسیار نفس‌گیر برای Silicon Valley ایجاد کند.

۴. رفع نقطه ضعف هزینه^۱

در ایالات متحده این کار را می‌توان به دو روش اصلی انجام داد: یا با کاهش هزینه‌های نیروی کار یا افزایش تولید از طریق نوآوری و اتوماسیون. واضح است که مورد آخر ترجیح داده می‌شود، همان‌طور که در گزارش اخیر خود، «The Enterprise Automation Imperative»^۲ نوشتیم.

اتوماسیون سازمانی^۳ در پاسخ به COVID-۱۹ به سرعت شتاب گرفته است، اما هنوز بخش‌های دولتی و خصوصی کارهای بسیار بیشتری می‌توانند در این راستا انجام دهند؛ چراکه چین با تلاش‌های خود در این مسیر به سرعت در حال پیشروی به سمت اتوماسیون تولید است. این اتفاق با متوقف کردن این تفکر که «اتوماسیون عملی

۱. نقطه ضعف هزینه به این معنی است که تجارت شما قادر به ایجاد، تولید، خرید، حمل و نقل یا توزیع کالا به مشتریان با نرخ برابر یا بهتر نسبت به رقبا نیست.

2. Robert D. Atkinson and David Moschella, "The Enterprise Automation Imperative—Why Modern Societies Will Need All the Productivity They Can Get" (ITIF, November 2019), <https://itif.org/publications/12/11/2019/enterprise-automation-imperative-why-modern-societies-will-need-all>.

۳. اتوماسیون سازمانی دگرگونی سیستماتیک فرایندهای سازمان برای اطمینان از عملکرد مطلوب آن دسته از فرایندهای دستی است که می‌توانند با گزینه‌های دیجیتالی هوشمند جایگزین شوند.

شیطانی است»^۱ آغاز می‌شود و با افزایش بهره‌وری به‌وسیله ارائه مشوق‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در امر تهیه تجهیزات جدید ادامه پیدا می‌کند.

۵. ایجاد ذهنیت متناسب با زنجیره ارزش

غالباً، شرکت‌های آمریکایی تمرکز خود را بر روی تحویل از بالا و مصرف از پایین کالای نهایی گذاشته‌اند و تمرکز کافی روی زنجیره ارزش کامل صنعت ندارند؛ از مواد اولیه گرفته تا اجزاء، زیرسیستم‌ها، تدارکات و اکوسیستم‌های مرتبط. درحالی‌که چین رویکرد از پایین به بالا را در پیش گرفته است و تاریخ نشان می‌دهد حرکت پایین به بالا برای یک زنجیره ارزش نسبت به حرکت بالا به پایین آسان‌تر است.^۲

تسلط داشتن به کل زنجیره ارزش از نظر استراتژیک بسیار مهم است، اما بسیاری از شرکت‌ها هنوز با رسیدن به این هدف فاصله زیادی دارند و اکثر سازمان‌های دولتی با آن فرایندهای جمع‌آوری و گزارش داده‌های قدیمی‌شان، دانش قدیمی یا داده‌های زنجیره ارزش مربوط به صنعت ناکارآمدی دارند.

۱. معروف است که در دوره رنسانس که تولید دوار انقلاب اتوماسیون شد و ماشین‌ها جای کارگران را گرفتند، کارگران از کار بیکار شده حین آتش زدن کارخانه‌های اتوماتیک، فریاد می‌زدند درون این اجسام بی‌جان، شیاطین نفوذ کرده‌اند که این ماشین‌ها می‌تواند حرکت و شغل ما را اشغال کنند.
۲. عملکرد استراتژیک چین در حوزه مواد معدنی کمیاب، نمونه‌ای عالی از تفکر مؤثر از پایین به بالا است.

بخش سیزدهم

پیچ راه برای اطمینان از اینکه غرب
همچنان به عنوان مدل کشورهای جهان
برای تقلید اجتماع باقی مهم اند



بخش سیزدهم

پیچ راه برای اطمینان از اینکه غرب همچنان به عنوان مدل کشورهای جهان برای تقلید اجتماعی باقی مهم‌اند

۱. به آنچه چین به دست آورده احترام بگذارید
چین سریع‌تر از هر کشوری در طول تاریخ مردم را از فقر خارج کرده است و این دستاورد قطعاً فقط نتیجه یارانه‌های دولتی، سرقت IP، تخریب محیط‌زیست، دستمزد پایین و سایر این دست سیاست‌ها نیست چراکه به‌وضوح بسیاری از کشورها سیاست‌های مشابهی را بدون دستیابی به موفقیت اقتصادی مشابه انجام داده‌اند و می‌دهند. ما باید تأثیر سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی چین، انقلاب در سیستم آموزشی، کارآفرینی و برنامه‌ریزی‌های موفق دولتی در چین را به رسمیت بشناسیم. علاوه بر این، ژاپن، کره و تایوان نشان داده‌اند که کشورها می‌توانند استراتژی‌های توسعه اقتصادی دولت‌محور را بدون نقض موارد حقوق بشر و سایر موارد منفی اتخاذ کنند و موفق باشند.^۱ اگر چین هم همین مسیر را طی می‌کرد، حتی ممکن بود قدرتمندتر از آنچه که در حال حاضر است باشد.
نهایتاً، غرب باید به آنچه چین از نظر اقتصادی برای اکثر قریب به

۱. محققین و مطلقین توسعه اقتصادی آسیا می‌دانند که اولین نخست‌وزیر سنگاپور، لی کوان یو، شخصی است که بیشترین استفاده را از یک دولت مرکزی قدرتمند برای مدرن‌سازی جامعه فقیر پیشین انجام داده است.

اتفاق مردم خود انجام داده است احترام بگذارد.

۲. یک کاربر کلاس جهانی باشید

سیاست‌گذاران دولتی اغلب از (LEF) Leading Edge Forum و بنیاد فناوری اطلاعات و اطلاعات (ITIF) می‌پرسند که ایشان چه کارهایی می‌توانند برای حمایت بهتر از صنعت فناوری انجام دهند؟ و البته در همین راستا بحث‌های زیادی هم در مورد آموزش، زیرساخت‌ها، استانداردها، تحقیق و توسعه و موارد مشابه وجود دارد؛ اما چیزی که معمولاً از آن غفلت می‌شود، اهمیت استفاده مؤثر دولت از فناوری برای تأمین نیازهای خودش است. بهترین مثال در این مورد، خود اینترنت است. دولت ایالات متحده قصد ایجاد زیرساخت عمومی اینترنت را ندارد. (که اگر چنین قصدی داشت، با AT&T کار می‌کرد تا نظامی مانند سیستم Minitel^۱ فرانسه را ایجاد و توسعه دهد. در عوض، وزارت دفاع آمریکا تلاش کرد که نیازهای خودش - نه نیازهای مردم - به یک قابلیت شبکه کامپیوتری بسیار مقاوم را تأمین کند. فناوری‌های مورد استفاده قرار گرفته در این تلاش، بعدها پایه و اساس اینترنت امروزی را تشکیل دادند. حوزه‌های بسیاری وجود دارد که در آن دولت‌ها می‌توانند با تأمین بهتر نیازهای خود، به صنایع فناوری داخلی کمک کنند، به‌عنوان مثال فعال‌تر شدن در حوزه هویت شهروندان و احراز هویت اینترنتی آن‌ها، امنیت سایبری، شهرهای هوشمند، ارتباطات ماهواره‌ای و GPS، سیستم‌های خودمختار،

۱. مینی‌تل یک سرویس آنلاین videotex بود که از طریق خطوط تلفن قابل دسترس و پیش از شبکه جهانی وب موفق‌ترین سرویس آنلاین در جهان بود. در فوریه ۲۰۰۹، France Télécom اعلام کرد که شبکه مینی تل هنوز ۱۰ میلیون اتصال ماهانه دارد. این شبکه در ۳۰ ژوئن ۲۰۱۲ خدمات خود را بازنشسته کرد.

خدمات کامپیوتری حوزه سلامت، بانکداری اینترنتی، هوش مصنوعی، انرژی‌های پاک و بسیاری از حوزه‌های دیگر.

۳. آهنربای استعداد باقی بمانید

در حوزه‌های پیشرفته مثل هوش مصنوعی، رباتیک، وسایل نقلیه اتوماتیک و محاسبات کوانتومی، گروه نسبتاً کمی از مردم اکثر فعالیت‌های پیشگامانه را انجام می‌دهند. این افراد - و خانواده‌های آن‌ها - ترجیح می‌دهند کجا زندگی کنند؟ اگرچه چین برای جذب استعدادها و تأمین منابع در سطح جهان بسیار خرج می‌کند، اما بیشتر متخصصین فن‌آوری هنوز با مسئله مهاجرت به چین محتاطانه برخورد می‌کنند. به عبارت دیگر، بسیاری از متخصصین این حوزه‌ها ترجیح می‌دهند در یک کشور انگلیسی‌زبان زندگی کنند، یعنی کشورهایی که به‌طور سنتی زبان انگلیسی زبان اول یا نهایتاً زبان دوم آن‌ها باشد. این یک مزیت طبیعی بزرگ برای ایالات متحده، انگلستان، کانادا، استرالیا، نیوزیلند و حتی هند است که باید پرورش یافته و از آن استفاده شود. کمک به انتقال و انتشار مراکز فناوری در سراسر آمریکا، این استراتژی را پیش می‌برد.^۱

۴. با متحدان خود کار کنید

متحدان طبیعی چین بسیار اندک‌اند. چین یک رابطه خوب با روسیه دارد، یک مشتری ضعیف در کره شمالی و روابط مختلف و

1. ITIF Event, "Spreading Tech Hubs to More of America: A Proposal" (ITIF, December, 11 2019), <https://itif.org/events/11/12/2019/spreading-tech-hubs-more-america-proposal>.

متنوعی در مسیر طرح کمربند و جاده با برخی کشورهای دیگر؛ اما اطراف این کشور توسط کشورهای قدرتمند متمایل به غرب احاطه شده است: ژاپن، کره جنوبی، تایوان، هند، استرالیا، نیوزلند، ویتنام و غیره.^۱

در خارج از آسیا، چین دارای منافع تجاری بسیاری است، اما طرفداران طبیعی کمی دارد. تاکنون، غرب عملکرد ضعیفی در استفاده از این وضعیت داشته است، به خصوص در مورد «انتقال فناوری اجباری»^۲ که می‌تواند زمینه خوبی برای اجماع علیه چین ایجاد کند. اگر همه ملت‌ها از انتقال فن‌آوری‌های پیشرفته خود به‌عنوان پیش‌شرط فعالیت در چین امتناع ورزند، چین ممکن است مجبور به عقب‌نشینی شود، اما به‌محض اینکه یک شرکت یا یک کشور در این زمینه کوتاه آمد، تحمل آن برای دیگران در آن بخش بسیار سخت می‌شود و همه کوتاه می‌آیند.^۳

به همین ترتیب، باید گفت وقتی ملت‌ها در مورد موضوعات حساسی که در مورد چین وجود دارد به‌طور جمعی صحبت کنند، قدرت و ایمنی بسیار بیشتری دارد.

۵. زمان بخربد

انتظار می‌رود طی چند سال آینده جمعیت چین به بالاترین حد خود برسد و سپس نرخ افزایش جمعیتش به‌سرعت مسطح شود و بعد به‌سرعت به سمت پیری رود. این بدان معناست که دهه ۲۰۲۰

۱. تایوان به‌صورت گسترده به‌عنوان یک کشور مستقل شناخته نشده است و عضو سازمان ملل متحد هم نیست.
۲. انتقال فناوری اجباری (FTT) روشی است که در آن یک دولت، مشاغل خارجی را مجبور می‌کند در ازای دسترسی به بازار داخلی خود، فناوری‌شان را با دولت به اشتراک بگذارند.

3. Robert Atkinson, "How China's Mercantilist Policies Have Undermined Global Innovation in the Telecom Equipment Industry" (ITIF, June 2020), <https://itif.org/publications/22/06/2020/how-chinas-mercantilist-policies-have-undermined-global-innovation-telecom>.

ممکن است اوج قدرت چین باشد؛ تا با رسیدن به دهه ۲۰۴۰ با چالش‌های اساسی جمعیتی مواجه شود.

اگرچه بسیاری از کشورهای پیشرفته پیر شدن جمعیت خود را مشاهده خواهند کرد، اما چین - مانند ژاپن و کره جنوبی - بسیار شدیدتر با این پدیده مواجه خواهند بود، مگر اینکه سطح پایین مهاجرت به این کشورها در آینده به طرز چشمگیری افزایش یابد یا چین بتواند از نیروهای متخصص کشورهای کمربند و جاده استفاده کند. از طرف دیگر، جمعیت ایالات متحده و هند هنوز هم در حال افزایش است و این دو کشور نسبتاً جوان هستند. هرچند هیچ‌کس نمی‌تواند آینده بلندمدت را پیش‌بینی کند، اما احتمالاً ما با یک قرن تسلط چین بر جهان روبرو خواهیم بود و با اصلاحات عمده‌ای که صورت خواهیم داد این تسلط برای یک یا دو دهه طول خواهد کشید. البته در این زمینه نگرش‌ها و فکرهای متنوعی وجود دارد.

«یک «بازی بزرگ»^۱ جدید در جریان است، اما چه کسی آن را بهتر بازی می‌کند؟ دهه ۲۰۲۰، دهه تعیین‌کننده است.»

این ۲۰ سرفصل، اهداف و رهنمودهای اصلی سیاست ملی ایالات متحده بودند که بر فراز بسیاری از تعارضات منافع بین آمریکا و چین پرواز کرده است. باید گفت، بیشتر شرکت‌های آمریکایی تقریباً از همه این موارد پشتیبانی خواهند کرد، به‌خصوص اگر گزینه جایگزین

۱. «بازی بزرگ» یک تقابل سیاسی و دیپلماتیک بود که در بیشتر قرن نوزدهم بین پادشاهی انگلستان و امپراتوری روسیه بر سر افغانستان و سرزمین‌های همسایه در آسیای مرکزی و جنوبی وجود داشت و بر ایران و هند نیز آثار مستقیم گذاشت. در اواخر دهه ۱۹۹۰، برخی از روزنامه‌نگاران از عبارت «بازی بزرگ جدید» برای توصیف آنچه که آن‌ها «ایجاد دوباره ی علاقه‌ی ژئوپلیتیک در آسیای مرکزی به ثروت‌های معدنی منطقه بعد از نابودی نظام سوسیالیستی شوروی» معرفی کردند بکار رفت.

وضع موجود، جداسازی اقتصادی کامل باشد؛ به همین دلیل تهیه یک برنامه بلندمدت اجماع که به‌طور دقیق استراتژی غرب را معرفی کند کاملاً عملی است و بسیار کمتر از اقدامات کوتاه‌مدت نسنجیده و همراه با عصبانیت حاشیه برانگیز خواهد بود؛ اما با توجه به شکاف‌های عمیق سیاسی و فرهنگی که امروز وجود دارد و با در نظر گرفتن این واقعیت که بیشتر توان دولت ایالات‌متحده به حل چالش‌های سیاست داخلی کشور می‌پردازد، یک پاسخ مؤثر از طرف ایالات‌متحده به‌هیچ‌وجه ساده نیست و امروز دیده هم نمی‌شود؛ و افرادی هستند که تصور می‌کنند حتی اگر این پاسخ به‌خوبی اجرا شود کافی نخواهد بود و بسیار فراتر از این، جداسازی اقتصادی به سبک جنگ سرد مورد نیاز است، به‌خصوص که دولت‌ها نیز برای انجام اقدامات معنادار از طرف مردم خود تحت فشار هستند.

جمع بندی



هیچ کس نمی‌داند چه آینده‌ای در انتظار است. آیا روابط چین و غرب طی این جنگ سرد و طولانی و آرام، تشدید خواهد شد یا محتاطانه باقی خواهد ماند؟ در تاریخ معاصر هرگز دو رقیب بزرگ از نظر اقتصادی و حتی فرهنگی به این شدت در هم آمیخته نشده‌اند. به راحتی فراموش می‌شود که یک دلیلی وجود دارد که بسیاری از شهروندان چینی عاشق تماشای NBA هستند و مهاجران چینی اغلب در سرتاسر غرب ساکن شده‌اند و رشد و پیشرفت داشته‌اند. پیوندهای طبیعی بین مردم - و نقاط قوت همزیستی دو اقتصاد- هنوز هم محکم است و این باعث ایجاد دوگانه‌ی امید و سردرگمی می‌شود. به همین ترتیب، بقیه جهان نیز درحالی که سعی می‌کنند از پاسخ به این سؤال خطرناکِ قدیمی فرار کنند که «شما کدام طرفی هستید؟» از خود می‌پرسند «چگونه باید پاسخ داد؟»

همان‌طور که در مبارزات طولانی بین ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی دیدیم - و اکنون با هوآوی می‌بینیم - اجتناب از پاسخ به سؤال‌های سخت همیشه هم امکان‌پذیر نیست.

تاریخ قرن بیستم به ما درس می‌دهد که بر روی آزادی، دموکراسی و اتحاد شرط‌بندی کنیم و ما ملت‌های غربی قطعاً تمایل داریم که به این توصیه‌ها پایبند بمانیم، به خصوص که اکثر اقتصادهای پیشرفته آسیا نیز همین مسیر را دنبال می‌کنند. ما همچنین باید از خود بپرسیم «چه چیزی می‌توانیم از استفاده

بسیار مؤثر چین از مدیریت علمی و برنامه‌های بلندمدت استراتژیک یاد بگیریم؟» اگر چین به تبتی‌ها و اویغورها ظلم نکرد چه؟ چه می‌شود اگر این کشور با شدت با هنگ‌کنگ برخورد نکند یا به نظر شهروندان خود احترام بگذارد و به طرزی شوم تایوان را تحت فشار نگذارد؟ هرچند ضعیف، اما همیشه احتمالش وجود دارد که چین در این حوزه‌ها رفتارش را تغییر دهد، آنگاه در مورد مدل اقتصادی چین و موفقیت اقتصادی چه می‌شود کرد و چه می‌شود گفت؟ آنگاه چه ایرادی می‌توان گرفت و چه توجیهی می‌توان یافت؟

معنای این صحبت به هیچ وجه کاهش ارزش مسائل حقوق بشر نیست، معنایش این است که چیزی که غرب باید آن را توسعه دهد و آن را حفظ کند، ذهنیت رقابت است. از نظر اقتصادی، چین به‌وضوح کارهای بسیار خوبی را انجام داده است: سرمایه‌گذاری روی خود و استفاده از منافع تجاری غرب برای بالا بردن یک ملت فقیر و حتی تحقیرشده و رساندن آن به جایگاه یک ابرقدرت جهانی آن‌هم در کمتر از ۵۰ سال. دستاوردی که فخرش را در جشن صدسالگی خود در ۲۰۲۱ به دنیا خواهد فروخت.

با توجه به اینکه بسیاری از کشورها هنوز توسعه نیافته‌اند، جای تعجب نیست که بسیاری از آن‌ها فکر می‌کنند چین چیزهای زیادی برای آموزش به ایشان دارد، به‌خصوص با توجه به این واقعیت که تأکید واشنگتن بر بازارهای آزاد و دولت محدود، اغلب در کشورهای

جهان شکست خورده است. واقعیت آن است که با در نظر گرفتن سرعت پیشرفت، شاید چین چیزی برای آموزش غرب نیز داشته باشد.

یک «بازی بزرگ» جدید در جریان است، اما چه کسی آن را بهتر بازی می‌کند؟ دهه ۲۰۲۰، دهه تعیین‌کننده است.

درباره‌ی نویسندگان



دیوید موشلا یکی از محققان انجمن Leading Edge Forum (LEF) است، جایی که وی به بررسی تأثیر تجارت جهانی فناوری‌های دیجیتال می‌پردازد. از کتاب‌های دیوید، این سخنران و ستون نویس مشهور، می‌توان به دیدن دیجیتال، راهنمای تصویری صنایع، سازمان‌ها و مشاغل دهه ۲۰۲۰ DXC، ۲۰۱۸ اشاره کرد. علاوه بر آن، مشتریان حوزه IT (مطبوعات دانشکده تجارت هاروارد، ۲۰۰۳)؛ و امواج قدرت: پویایی رهبری فناوری جهانی (آماکوم، ۱۹۹۷) هم جزو آثار اوست. پیش‌ازین، وی رئیس موسسه تحقیقات جهانی بین‌المللی داده (IDC)، بزرگ‌ترین شرکت تجزیه و تحلیل بازار در صنعت IT بود.

رابرت دی. اتکینسون بنیان‌گذار و رئیس ITIF است. کتاب‌های اتکینسون عبارت‌اند از:

Big Is Beautiful: Debunking the Myth of Small Business (MIT)،
 ۲۰۱۸. Innovation Economy: The Race for Global Advantage
 (بیبل، ۲۰۱۲) و گذشته و آینده اقتصاد آمریکا: امواج طولانی نوآوری
 که چرخه‌های قدرت را ایجاد می‌کند (ادوارد الگار، ۲۰۰۵). اتکینسون
 مدرک کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی‌های شهری و منطقه‌ای را
 از دانشگاه اورگان و دکترای خود را در رشته برنامه‌ریزی‌های شهری و
 منطقه‌ای از دانشگاه کارولینای شمالی-چپل هیل دارد.

درباره ITIF

بنیاد فناوری اطلاعات و نوآوری (ITIF) یک موسسه تحقیقاتی و غیردولتی و آموزشی است که بر حوزه تلاقی حوزه نوآوری در فناوری و حوزه سیاست‌های عمومی متمرکز است. مأموریت ITIF که به‌عنوان اتاق فکر برجسته علوم و فناوری در جهان شناخته می‌شود، فرمول‌بندی و ترویج راه‌حل‌ها و سیاست‌هایی است که نوآوری را تسریع کرده و بهره‌وری را برای رشد، ایجاد فرصت و پیشرفت تقویت می‌کند.



مرکز ملی فضایی مجازی
پروژه شاه فضایی مجازی
csri.majazi.ir